

توفان آراز

بحران
آذربایجان
شمالی،
۱۹۹۱-۹۵



□توفان آراز:

□بحران

آزربایجان شمالی،

۱۹۹۱ - ۹۵

□چاپ اول: کپنهاگ، ۱۳۷۴

□ناشر: مؤلف

آدرس:

Postbox 204

DK-3520 Farum

DENMARK

□Tufan Araz:

□THE CRISIS OF

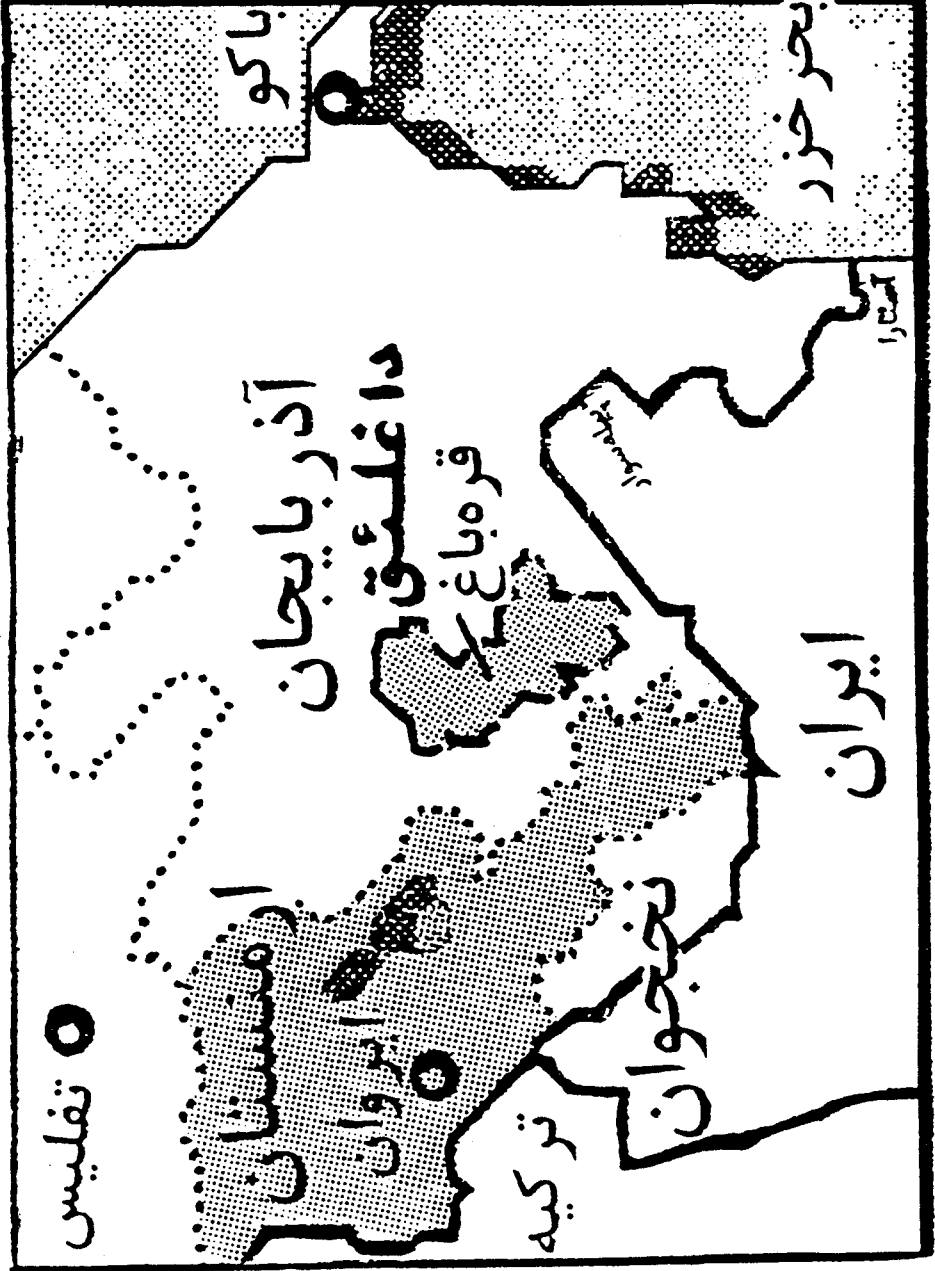
NORTH AZERBAIJAN,

1991-95

□Copenhagen, 1995

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

نظرات، پیشنهادات و انتقاداتتان از این بررسی را
برای مؤلف ارسال کنید .



تفلیس

آذربایجان

داغستان

قره باغ

ایران

نججوان

ترکیه

باکو

بکر خوز

استرا

فهرست مند رجات

بحران آز رایجان شمالی ،

۱۹۹۱-۹۵

عنوان

صفحه

د خول :

۱	موقعیت ژئوپولتیکی آز رایجان شمالی
۵	۱- علت عمده بحران
۱۱	۲- روند بحران
۳۵	۳- هنایش سیاسی بحران
۵۵	۴- بحران و اید نولوژی " پان ترکیسم "
۶۱	۵- ایران ، ترکیه و آسیای غربی - میانه

د خول : موقعیت ژئوپولتیکی آذربایجان شمالی

الف - وضعیت جغرافیایی

جمهوری آذربایجان شمالی د ربخس خاوری منطقه ماورا قفقاز واقع شده، و آن گستره شمال غربی فلات ایران است، که د میان دریای خزر و دریای سیاه به صورت د هلیزی درآمده. رشته کوه های قفقاز آن را از ناحیه قفقاز شمالی جدا می سازد. یگانه د روزه طبیعی این دیوار عظیم د ریند د کرانه دریای خزر می باشد (سایر گذرگاه ها سخت و صعب العبور است)، که قرن ها به وسیله مرزداران ایران نگهداری شده است، به ویژه د رود ورنی که سراسر دشت پهناور روسیه زیر سم اسبان قزاق ها و تاتارها شیار می گردید، این د روزه بر روی آنها بسته ماند. اما روس ها پس از سرکوب آنان به تدریج به این مانع طبیعی نزدیک شده، و از دیوار د ریند گذشتند. د رود و جنگ ایران و روس (۱۳-۱۸۰۴) و (۲۸-۱۸۲۶)، که منجر به عقد د و معاهده "گلستان" و "ترکمن چای" گردید، منطقه ماورا قفقاز به تصرف روس ها درآمد، ولیکن با تغییر مرزها از رشته جبال قفقاز به رود آراز وابستگی سرزمینی آذربایجان شمالی به فلات ایران کاهش نیافته، و چنانچه د پایین خواهیم دید، ارتباط آن با مراکز سیاسی و اقتصادی جهان جز از طریق خاک همسایه امکان پذیر نخواهد بود. به عبارت واضح تر د ریک بن بست جغرافیایی قرار گرفته است. پیش از ادا د مطلب باید اضافه کنیم که این د روزه، یعنی د ریند، به سبب اهمیت فوق العاده استراتژیک د رود ورن استالین از جمهوری آذربایجان شمالی منتزع، و با انضمام به ایالت خود مختار د اغستان د رودون مرزهای جمهوری فدراتیو روسیه قرار گرفت. طراحان این تغییر خط مرزی پیش بینی چنین روزهایی را نموده بودند تا کلید د روزه ورود به منطقه حساس خاور-میانه را د هر صورت د دست داشته باشند.

ب- اوضاع سیاسی

۱) سیاست داخلی - پس از دوران طولانی استعمار و تسلط بیگانه نمی شد انتظار داشت که مردم آذربایجان شمالی دارای تشکیلات سازمان یافته سیاسی باشند. معیناً در پی تحولات در شوروی سابق "جبهه خلق آذربایجان" مرکب از احزاب دموکراتیک به وجود آمد، و در برابر حاکمیت در دست اعضای پیشین حزب کمونیست منحل و در رأس آن ها رئیس جمهوری، که از هواداران سرسخت حفظ ارتباط با کرملین بود، قرار گرفت. حوادث ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹، که باعث درگیری های مسلحانه آرامنه - آذری های شمالی گردید، تفسیر مکان های وسیعی را به وجود آورد، و مبانی ترک اجباری ۲۵۰ هزار ارمنی از آذربایجان شمالی و ۱۰۰ هزار آذری شمالی از ارمنستان به آذربایجان شمالی را فراهم نمود، که پدیدآورنده مشکلات فراوانی در سیاست داخلی بود.

۲) سیاست خارجی - مهمترین نقطه ضعف آذربایجان شمالی در سیاست خارجهی ناشناس ماندن آن در صحنه سیاست بین المللی است. در هیچ دوره ای از تسلط بیگانه مجال آن را نیافته که به نام خود در مجمع بین المللی ظاهر گردد، و چون مردم آذربایجان شمالی اساساً اهل مهاجرت نیستند، برخلاف آرامنه در کشورهای دیگر اقلیتی که از منافع آنان دفاع نماید، وجود نداشته است. حتی مهاجرت آنها به جمهوری های دیگر شوروی سابق نیز ناچیز بوده، مگر آنکه در اثر تبعید های اجباری دسته جمعی صورت گرفته است. این موضوع سبب شده که هنگام بروز اختلاف با آرامنه افکار عمومی جهان به ویژه در غرب بر علیه آنان به دو علت اساسی زیر به شدت تحریک شده، تا جایی که علناً از کشتار بی رحمانه بیستم ژانویه ۱۹۹۰ در شهر باکو حمایت، و آذربایجانی ها را وحشی و بی تمدن نامیدند:

- شهرت ترک های عثمانی به قتل عام یک و نیم تا دو میلیون ارمنی در سال های ۱۹۱۵-۱۶ سایه خود را بر سر آذری ها افکنده است.

- ترور، وحشت، آدم کشی و گروگان گیری ای که جمهوری اسلامی به نام تشیع در منطقه به راه انداخته، دامن آذری های شیعه مذهب را نیز خواه و ناخواه فرا گرفته است.

آرامنه که نفوذ و تشکیلات قابل ملاحظه ای در شهرهای مهم اروپا، به ویژه در آمریکا دارند، در تبلیغات خود از این دو نقطه ضعف به خوبی بهره برداری نموده اند. سازمان های سیاسی ارمنی دارای پیشینه درازند، و کافیسیت از یکی از آن ها به نام "دا-شناک" نام به بریم، که در هر دو دوره تزاری و شوروی به منظور استقلال ارمنستان در خارج از وطن به مبارزه ادامه داده است. سازمان "ارتش سرری ارمنستان" نیز در

۱- البته تصویر سیاسی آذربایجان شمالی پس از احیای استقلال جمهوری سریمناً تغییر یافته، و احزاب و سازمان های مختلفی پدید آمدند. نگا: فصل ۳.

دهه های اخیر بر علیه ترکیه در سراسر جهان فعالیت می نماید .

پ- اوضاع اقتصادی

از ۱۸۲۹، یعنی تکمیل تسلط روس ها بر آنر بایجان شمالی به منظور بهره برداری از منابع سرشار طبیعی آن، طرح اقتصادی استعماری بر آن تحمیل گردیده و، به صورت صادرکننده مواد خام به سایر سرزمین های روسیه درآمده است. شهرت جهانی چاه های نفت باکو، که در اوایل قرن پنجاه درصد کل استخراج نفت جهان را دربرداشت، نیازی به توضیح ندارد. محصول پنبه نیز در ردیف دوم تا کنون مصرف داخلی صنایع روسیه را تأمین نموده است. در بخش صنایع تنها به صنایع سبک نیازمندی داخلی جمهوری اکتفا گردیده است. در این سیاست استعماری آنچه نصیب مردم آنر-بایجان شمالی از منابع ثروت خود گردیده، به استناد ارقام و آمار بین یک پنجم تا یک بیستم بهای واقعی مواد صادر شده بوده است. به گذریم از اینکه در اثر سیاست نادرست اقتصادی کمونیست ها، که تعهد را بر تخصص ترجیح داده اند، بنیه اقتصادی آنر بایجان شمالی مانند سایر جمهوری ها ضربه خورده، و کفایت به دانیم که سطح تولید چاه های نفت باکو هم اکنون به دو درصد کل محصول نفت جهان تنزل یافته - است.

مشکل مهمتر دیگر همان گونه که در بالا اشاره رفت، عدم دسترسی مستقیم به بازارهای جهانی بوده، و سیستم ارتباطی آن به سه همسایه وابسته می باشد. ارتباط دریایی از طریق کانال ولگا-دن میان دریای خزر و دریای سیاه و همچنین لوله های صدور نفت و گاز از خاک جمهوری های روسیه و اوکراین می گذرند.

۱- علت عمده‌ی بحران

علت عمده‌ی بحران سال‌های اخیر آذربایجان شمالی همانا اختلافات قومی آذری-های شمالی - ارامنه است، که خود جزیی از پروبلماتیک قفقاز، شامل مسائل قومی، سیاسی - عقیدتی منطقه می‌باشد.

اختلافات قومی و خلق مذکور از سابقه‌های بس طولانی برخوردار است. واقعیت اینکه تا زمانی که این دو خلق در قفقاز در جوار یکدیگر زیسته‌اند، اختلافات قومی نیز بین - شان وجود داشته، که به مرور زمان تکامل یافته است. این اختلافات در مقاطعی منجر به درگیری‌های مسلحانه بین دو خلق گشته، و تا کنون به بهای قتل ۲۵۰۰۰ / ۲۵ ارضی و - ۱۲ هزار آذری شمالی تمام شده است.

مناقشه‌ی دو خلق آذری شمالی - ارامنه بر سر پاره‌ای اراضی در آذربایجان شمالی، از جمله در نتیجه‌ی ادعای ارامنه به منطقه‌ی قاراباغ و عمدتاً ناحیه‌ی کوهستانی آن موسوم به قاراباغ علیا یا به آذری د اغلنق قاراباغ - که به آن باز خواهیم گشت - بعدی گسترده‌تر به اختلافات قومی آذری‌های شمالی - ارامنه بخشیده است.

عواملی دیگر نیز در تشدید و تنش اختلافات قومسی و خلق مؤثر بوده است، از جمله موقعیت ممتاز اقتصادی - اجتماعی ارامنه مهاجرت نموده به آذربایجان شمالی، در وهله‌ی نخست به باکو از دهه‌ی ۷۰ قرن نوزدهم به بعد، در نتیجه‌ی تصاعد ناگهانی استخراج و پالایش نفت به میزانی بی سابقه، آنچه که منجر به تغییرات انقلابی در آذربایجان شمالی گشته، باکو را بدل به یک شهر متروپول در روسیه ساخت.

به موجب آمار سال ۱۸۷۰ تنها نصف تولید نفت باکو در دست خود آذری‌های شمالی بود. با مقررات مربوط به مزایه سرمایه‌داران آذربایجان شمالی به رقبای ارضی شان باختند. پس از سال ۱۸۷۲ نسبت چاه‌های موجود در دست آذری‌های شمالی سریعاً به ۰ / ۱۳ کاهش یافت، و سرمایه‌گذاری آنان از ۰ / ۵ تجاوز ننمود!

اختلافات قومی آذری‌های شمالی - ارامنه برای نخستین بار در سال ۱۹۰۵ به درجه‌ای انفجارآمیز رسیده، منتهی به یک جنگ علنی بین دو خلق گشت، که در تاریخ به "جنگ تاتار-ارمنی" موسوم شده است.

"جنگ تاتار-ارمنی" - که آذری‌های شمالی آن را مبداء تحول انقلابی در سرزمین شان می‌دانستند - در ۶ فوریه ۱۹۰۵ با حمله هزاران آذری شمالی، که غالباً از دهات نزدیک باکو به شهر آمده بودند، به بخش ارمنی نشین باکو آغاز گشت. به دنبال این حمله سه روز قتل و غارت صورت گرفت. وقایع وحشتناک باکو به مقیاس کوچک تری در ۲۰ فوریه در ایروان، سپس در نخجوان و دیگر بخش‌های قوهرنای ایروان، در اوت از نو دریا، تکرار گشت، و پاره‌ای از چاه‌های نفت ارامنه به آتش کشیده شد. در آخر سپتامبر شهر قازاخ در جریان شورش به خاکستر بدل گشت. یکی از خونین‌ترین درگیری‌ها در گنجه رخ داد، دیگری در تغلیس. جنگ تا سال بعد ادامه یافت.

جنگ دامنگیر تقریباً ۱۲۸ ده ارمنی و ۱۵۸ ده مسلمان گشت. شمار کشتگان را از ۳/۱۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ تخمین زده‌اند.^۲

در این جنگ روس‌ها پشت پرده به یاری ارامنه پرداختند. واقعیت تهدید آمیز تفاهم روس-ارمنی آذری‌های شمالی را به برقراری یک انجمن سیاسی مخفی سوق داد. این انجمن که "دفاعی" نام گرفت در پائیز ۱۹۰۵ در گنجه ایجاد گشت. تأسیس "دفاعی" به منزله ترفیع یافتن گنجه به مرتبه مرکز جنبش ملی در آذربایجان شمالی بود. گنجه این موقعیتش را از آن به بعد حفظ نمود.

"دفاعی" راه تروریسم را در پیش گرفت، و ترورهای فردی آن عمدتاً متوجه مقامات پلیس و ارتش، که معروف به تحریک ارامنه به افراط کاری بر ضد مسلمانان بودند، گشت. درگیری‌های بین دو خلق آذری شمالی - ارامنه پس از "جنگ تاتار-ارمنی" در آینده نیز در درجات مختلفی ادامه یافت.

دولت عثمانی که به مقتضای نقشه‌اش موسوم به "توران" هدف اشغال آذربایجان شمالی را دنبال می‌نمود، و به دلایل مذهبی - قومی سنتاً پشتیبان ترک‌ها در برابر ارامنه بود، در درگیری‌های فی‌ما بین به انحاء گونه‌گون به حمایت از آذری‌های شمالی می‌پرداخت. در سال ۱۹۱۸ معاهده صلح و دوستی بین دولت عثمانی و آذربایجان شمالی

→ ۱- جی. پیچخسیان: "Kapitalistische skoe razvitie neftianoli" (تغلیس، ۱۹۳۰)، صص ۱۰۸-۱۰۷.

۱- اصطلاح "تاتار" عادتاً توسط روس‌ها به خلق‌های مختلف ترک زبان اطلاق می‌گشت، و به صورت نامی نامناسب برای آذری‌ها به کار می‌رفت.
 ۲- آر. جی. هوانیسیان: "ارمنستان در راه استقلال، ۱۹۱۸" (برکلی، ۱۹۶۹)، ص ۲۶۴.

منعقد گردید، که به موجب ماده ۴ آن آذربایجان شمالی قول کمک نظامی عثمانی را برای برقراری نظم و امنیت، که اشاره‌ای علنی به سرکوبی دستجات ارمنی فعال در داد-غلقق قاراباغ بود، دریافت داشت.

درگیری‌های خشونت‌آمیز بین آذری‌های شمالی - ارامنه در آینده در یک سری نقاط در الان، واقع بین دریای سیاه و خزر روی داد، و عمدتاً در منطقه قاراباغ باشدت پیش رفت.

در قرن حاضر سال ۱۹۱۸ را به دلایل خوبی می‌توان آغاز مرحله تازه‌ای از اختلافات قومی آذری‌های شمالی - ارامنه به شمار آورد، و آن سالی است که به دنبال شروع جنگ داخلی خونین در شوروی - که توسط دولت سرمایه داری بزرگ وقت به هدف سرکوبی انقلاب این کشور، و جلوگیری از تکامل آن جامعه به صوب سوسیالیسم دامن زده شد - انگلستان به برقراری قیمومت دولت خود بر قفقاز پرداخت. ژنرالی به نام آند - رانیک به مقصود استقرار حاکمیت ارامنه بر ناحیه داغلقق قاراباغ اقدام نمود. اول دسامبر ۱۹۱۸ ژنرال انگلیسی تامسون از آند رانیک تقاضای پایان دادن به عملیات نظامی را کرد. به دنبال اطاعت آند رانیک، ژنرال تامسون در اواسط ماه ژانویه ۱۹۱۹ اداره قاراباغ و زنگه زور را موقتاً به عهده آذری‌های شمالی محول ساخت. احساس تحقیر ناشی از این موضوع در ارامنه با تصویب نامزدی خسرو سلطانف، مشهور به مخا - صمت با ارامنه، به سمت حکمران ناحیه مذکور از سوی تامسون^۱ شدت پذیرفت. تا - مسون در برابر انتقاد های سخت ارامنه چنین واکنش نمود: "واقعیت اینست که اشغال انگلیس فرصتی برای انتقام کشی آنها فراهم نکرده است. آنها از قبول این نکته اکراه دارند که کنفرانس صلح تصمیم خواهد گرفت، نه نیروهای نظامی."^۲

در دوره استقلال جماهیر قفقاز (۲۰-۱۹۱۸) اختلافات قومی آذری‌های شما - لی - ارامنه زاینده درگیری‌های مسلحانه تازه‌ای در ناحیه داغلقق قاراباغ بود. نیرو - های متفقین که به دنبال پیروزیشان در جنگ جهانی اول نفوذی غیر قابل انکار در وقایع قفقاز یافته بودند، جهت مقابله با منازعات بر سر قاراباغ حاکم آذری شمالی را برای اداره امور آن برگزیدند. نمایندگان متفقین، در ضمن، جهت به رسمیت شناختن اقلیت ارمنی در قاراباغ، حضور شمار برابر پلیس ارمنی - آذری شمالی را در آنجا لازم دانستند. ولیکن این نیز راه چاره نبود، کما اینکه در اواخر ماه مارس ۱۹۲۰ یک خبر - نگار انگلیسی گزارش داد که، نیمه آذری پلیس قاراباغ به دست نیمه ارمنی آن قتل عام شده است.^۴

۱- هوانیسیان: "جمهوری"، صص ۷۰-۱۶۹.

۲- "Great Britain", F.o. 371/3658. March 18, 1919"

۳- در این خصوص می‌توانید رک: "آذربایجان شمالی پس از فتح روس" (فصل ۴) (کپنهاگ، ۱۳۷۲) از من.

۴- فرستاده ویژه روزنامه "The Daily Telegraph" (لندن) به باکو.

درگیری‌های دو خلق در سال ۱۹۱۹ به شکلی خونین در قاراباغ و نخجوان صورت گرفت. منطقه نخجوان قسمت مسلمان نشین از قوهرنای ایروان بود، و آرامنه حاضر به از دست دادن آن نبودند. انگلیسی‌ها آتش‌نارزه را فرو نماندند: تا مسون از بهم آنکه مبادا نیروهای نامنظم آذری شمالی و داوطلبان عثمانی در نخجوان با ترکیه ارتباط استراتژیک برقرار سازند، برخلاف موضع مسلمان دوستانه‌اش فرمان داد که منطقه تحت اداره آرامنه قرار گیرد. کنفرانس ماورا قفقاز در عین حال به درازا کشید، و با امتناع ارمنستان از پیوستن به گرجستان و آذربایجان شمالی در یک اتحاد ضد نیکین پایان یافت.

در دهه ۲۰ بلشویک‌ها جهت پیشگیری از ادامه برخورد های خشونت‌آمیز آرامنه - آذری‌های شمالی، که عمدتاً در ناحیه داغلق قاراباغ صورت می‌گرفت، مبادرت به حل مسأله بر اساس سیاست ملیت‌هایشان نمودند. آنها توجهشان را به ناحیه داغلق قاراباغ معطوف داشته، خود مختار سازی آن را یک ضرورت به شمار آوردند. در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ "خود مختاری" ناحیه داغلق قاراباغ با تصویب نامه‌ای رسماً اعلام گشت. خود مختار سازی ناحیه داغلق قاراباغ، اما، حلال اختلافات قومی آذری‌های شمالی - آرامنه نشده، بالعکس نطفه منازعات تازه‌ای بین این دو خلق را درآینده بست، و ادامه بخش‌تکامل اختلافات قومی با ابعاد گسترده‌تر گردید.

از دهه ۶۰ به بعد ناحیه داغلق قاراباغ به میدان موضوع اصلی درگیری‌های بین آذری‌های شمالی - آرامنه، پیرو اختلافات قومیشان، بدل شد. آرامنه تندروانحصارطلب لاینقطع مطالبه ادغام داغلق قاراباغ به ارمنستان را به پیش کشیدند.

دهه ۸۰ مرحله‌ای جدید از تکامل اختلافات قومی دو خلق مذکور بود. این مرحله در ۲۸ فوریه ۱۹۸۸ با حمله آذری‌های شمالی به آرامنه در شهر سومقائیت، واقع در شمال غربی باکو، به دنبال گشته شدن ۲ آذری شمالی در جریان مبارزات طرفین در زمان مزبور در ناحیه داغلق قاراباغ به اوجش رسید. رویداد سومقائیت - که زمینه ساز واقعه ژانویه ۹۰ آذربایجان شمالی گشت - منجر به قتل ۳۱ ارمنی (به گزارش خبرگزاری "تاس") شد.

آرامنه در ماه مارس همان سال جهت تحقق مطالبه‌شان در مورد داغلق قاراباغ "کمیته ناگورنو کاراباخ" را تشکیل دادند. آرامنه شوروی سابق در خصوص ناحیه داغلق قاراباغ به ماده ۱ قطعنامه سازمان

۱- در خصوص مسأله نخجوان می‌توانید رك: "مسئله داغلق قره باغ" (فصل ۳)

(کهنه‌گ، ۱۳۷۰) از من.

۲- درباره سیاست ملیت‌های بلشویک‌ها می‌توانید رك: همان (فصل ۵).

۳- درباره پروسه خود مختار سازی ناحیه داغلق قاراباغ می‌توانید رك: همان

(فصل ۶).

ملل متحد راجع به حق خود مختاری ملل عطف توجه می دادند. "جبهه خلق آذر-بایجان" در پاسخ ارامنه را به سند اختتامی هلسینکی مبنی بر به رسمیت شناختن مرزهای اروپای پس از جنگ جهانی دوم رجوع می داد.

آ. ل. آلتشتات در صفحه ۱۸ "داغلق قره باغ" اعزام نمایندۀ مخصوص از مسکو به استپاناکرت (خان کندی) در سال ۱۹۸۸ در پیرو منازعات جدید ارامنه - آذری های شمالی را اولین گام دولت مرکزی مسکو در پی بنیانی کنترل باکو برداقمو (منظور داغلق قاراباغ) در مدت، و به این ترتیب هموار ساختن راه بر حکومت مستقیم مسکو و یا حکومت نهایی ایروان بر آن فرض نموده است. دقیق تر همانجا می نویسد: "نمایندۀ مخصوص مسکو در قره باغ ممکن است حرکتی برای بازی مسکو باشد، نه اقدامی برای حل دعوا."

رویدادها در ماه اکتبر سال مزبور با آغاز تحریم ارامنه از سوی آذری های شمالی تشدید گشت، و از ماه نوامبر دامنه منازعات طرفین بر سر ناحیه داغلق قاراباغ گسترش یافت.

برخورد دولت مرکزی مسکو به رویدادها بیانش را در تصویب برنامه های هشت ماده ای در رابطه با داغلق قاراباغ در ۱۹۸۸ یافت. ولیکن این برنامه مسکو نیز نه تنها راه حلی برای مسأله نبود، بلکه خود عاملی تازه در تنش آتی آن گشت. مهم ترین نکات برنامه مذکور به شرح ذیل بود:

— آذربایجان باید هر نوع تحریم علیه ارمنستان را متوقف سازد.
— آذربایجان باید برای افزایش خود مختاری ناگورنو کاراباخ گام های قانونی بردارد.

— نیروی ویژه وزارت کشور باید تا مدت نامعلومی در ناحیه باقی به ماند.
— ارمنستان و آذربایجان باید در عرض دو ماه به اتخاذ تدابیری جهت عادی سازی روابط بین دو دولت به پردازند.

این برنامه مورد مخالفت آذری های شمالی و ارامنه، هر دو، قرار گرفت. ارامنه آن را به نفع آذری های شمالی تلقی نمودند. ارامنه به ابراز خشمشان از مسکو و گورباچف پرداختند، چه به نظرشان به این ترتیب به ارمنستان خیانت شد. مواضع پارلمان، "کمیته ناگورنو کاراباخ" و "جبهه خلق ارمنستان" طی چند روز بحثشان درباره برنامه یکسان بود؛ در عوض، در آذربایجان شمالی مواضع در برابر برنامه علناً تفاوت داشت؛ در باکو حزب کمونیست از برنامه مصوبه استقبال نمود، "جبهه خلق آذربایجان"، اما، بدان مظنون بود، و لذا به ایجاد اعتصابات و بسط تحریمات پرداخت. در باکو پارلمان و حزب در تلاش متوقف ساختن تحریمات و اعتصابات برآمدند، و این اقدامشان نیز تا حدودی نتیجه بخش بود، کما اینکه میزان کاهش سطح تولید در

نخستین ایام دسامبر از ۴۰-۰/۰۳۰ به ۰/۰۱۰ تقلیل یافت.
 تکامل اختلافات قومی ارامنه - آذری‌های شمالی، حال منحصرأ بر سر ناحیه ۱ -
 فلق قاراباغ، در ماه ژانویه سال ۱۹۹۰ به نقطه‌ای انفجار آمیز رسیده، به مناقشه
 مسلحانه علنی بین آذری‌های شمالی - ارامنه بدل گشت، و با دخالت دولت مرکزی
 مسکو در واقعه با اعزام نیرویی ۱۱/۰۰۰ نفره (متشکل از ۵/۰۰۰ سرباز ارتش
 سرخ و ۶/۰۰۰ سرباز متعلق به نیروهای ویژه وزارت کشور) به جم‌هیر ارمنستان و
 آذربایجان شمالی، همزمان به جنگ علیه ارتش سرخ انجامید، و به این ترتیب، برای
 نخستین بار در تاریخ شش‌وروی سابق پس از جنگ جهانی دوم در این کشور جنگ
 داخلی پدیدار گشت.

واقعه مذکور با برجای گذاردن کشتگان زیادی - که ارائه آمار دقیقی از آن به جهت
 انتشار یافتن ارقام متناقض در ژانویه ۹۰ ممکن نیست - و خساراتی بالغ بر ۳۴۷ میلیون
 روبل (به برآورد روزنامه "ایزوستیا") از ۱۸ ژانویه به بعد، در اوایل ماه فوریه همان سال
 خاتمه یافت.^۱

این، اما، تنها خاتمه مرحله‌ای دیگر از اختلافات قومی و خلق بود. تکامل
 اختلافات لاینقطع ادامه یافته، انفجارات خونین تازه آن از سال ۱۹۹۱ به بعد پدید
 آمد، و جامعه آذربایجان شمالی در دامان یک بحران چند ساله پرتاب شد، که روند
 آن را در فصل آینده خواهیم خواند.

۱- برای مطالعه جامع‌تر این واقعه می‌توانید رک: "واقعه ژانویه ۹۰ آذر -
 بایجان شمالی" (کنه‌هاگ، ۱۳۶۹) از من.

۲- روند بحران

بلی، تکامل اختلافات قومی آرامنه - آذری‌های شمالی جامعه آذربایجان شمالی را از سال ۱۹۹۱ در ورطه بحرانی چند ساله با تشدید روزافزون رها ساخت.

مرحله تازه تکامل اختلافات قومی و خلق مذکور، موجد بحران آذربایجان شمالی، در ماه‌های اوت و سپتامبر سال مزبور با عملیات نظامی تهاجمی آرامنه عمدتاً در ناحیه شائومیان با چندین کشته، مجروح و بی‌خانمان فراری در پیروش شروع گشت.

در آن تاریخ تکامل منازعه به قدری نگران‌کننده بود که بسیاری بدل گشتن امر به يك جنگ علنی بین دو خلق مذکور را پیش‌بینی می‌نمودند. من جمله آناتولی شاپاد حقوقدان در امور فد راسیون روسیه و یکی از مبتکرین ناموفق مذاکره آتش‌بس موقت در سپتامبر ۹۱ گفت: " ترس من از شروع يك جنگ تازه است. وضعیت وخیم است."

یا دیوید لئوپولد^۱ حقوقدان اهل کلیولند ضمن تأیید دست داشتن شوروی سا-بق در تشدید منازعه در ناحیه شائومیان، بر این بود که " جنگ به نظر قریب الوقوع می-رسد."

مهمترین اقدام در برقراری آتش‌بس بین آذری‌های شمالی - آرامنه در نواحی مورد منازعه به امضا رسیدن قراردادی در سپتامبر ۹۱ به ابتکار و نقش میانجیگری بوریس یلتسین رئیس جمهوری روسیه و نور سلطان نظربایف رئیس جمهوری قزاقستان بود.^۲ اما این اقدام نتیجه‌ای به بار نیاورد، کما اینکه همان روز به امضای قرارداد آتش‌بس از سوی آذری‌های شمالی - آرامنه نقض گشت.^۳

۱- David Leopold

۲- در خصوص این قرارداد می‌توانید رک: "آذربایجان شمالی در وضعیت تاری-

ریخی نوین شوروی" (فصل ۶) (کپنهاگ، ۱۳۷۰) از من.

۳- در این خصوص می‌توانید رک: همان (همان فصل).

برخورد های مسلحانهٔ ارامنه (مهاجمان) - آذری‌های شمالی (مدافعان) به ناحیهٔ داغلقق قاراباغ منتقل گردیده، همانجا ادامه یافت، و سرانجام در سال ۱۹۹۲ به جنگ بین طرفین منتهی شد.

این جنگ در ماه های فوریه و مارس سال مزبور به نقطهٔ اوجش رسید. از فجایع فراموش ناشدنی جنگ، که همواره به سان لکهٔ ننگی بر دامان ارامنه باقی خواهد ماند، قتل عام ۱/۰۰۰ آذری شمالی غیر نظامی به دست ارامنه در ماه مارس در شهر خوجعلی بود. فیلم هایی که از انبوه جنازه های این قتل عام در تلویزیون باکو نمایش داده شد، نشانگر بی رحمی و قساوت توصیف ناپذیر ارامنه بود، که چنانکه می دانیم عادت دارند آذری‌ها را در رسانه های جمعی جهان وحشی‌ها، بی تمدن - ها، ابتدایی‌ها و چه چه به نامند! (در فیلم های مذکور دیده شد که ارامنه چشمان بسیاری از جنازه ها را از حدقه بیرون کشیده، و صورت هاشان را با چاقو یا سرنیزه دریده‌اند!

در دو هفته نخست جنگ در داغلقق قاراباغ در ۱۹۹۲ تقریباً ۱/۰۰۰ تن از هر دو طرف، اما بیشتر از میان آذری‌های شمالی، به قتل رسیدند. نیروهای "جامعهٔ دول مستقل" در پیشروی های نظامی ارامنه دخیل بودند. در این رابطه فرهاد مهدیف در ۸ مارس گفت که، یک گروه چترپاز تحت فرمان مسکو به نزدیکی خان کندی وارد شده، و در یک سری حملهٔ ارامنه به عسکران شرکت جسته - است.

از سوی دیگر، به نوشتهٔ هفته نامهٔ "کومرسان" (مسکو)، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ پا - سدار جمهوری اسلامی ایران در جوار نیروهای آذری شمالی در جنگ علیه ارامنه شرکت داشتند. ارامنه نیز به نوبهٔ خود از کمک های ارامنهٔ لبنانی برخوردار بودند.^۲ در طول سال ۱۹۹۲ اقدامات فراوانی در جهت متوقف ساختن جنگ ارامنه - آذری‌های شمالی در ناحیهٔ داغلقق قاراباغ از سوی جامعهٔ بین‌المللی به عمل آمد. اما متأسفانه هیچکدام از این اقدامات نتیجهٔ مثبتی نداشت^۳، زیرا جنگ نه تنها کماکان ادامه یافت، بلکه در سال ۱۹۹۳ بعدی گسترده تر نیز به خود گرفت: با حملهٔ نظامی ارمنستان به جمهوری آذربایجان شمالی در ۱ آوریل سال مزبور، حمله‌ای که در واقع به مقتضای نقشهٔ توسعه طلبانهٔ ارمنستان در قفقاز، که در رازمدت هدف محو آذری - بایجان شمالی از نقشهٔ جغرافیایی را دنبال می نماید، و در فاز کنونیش قصد اتصال منطقهٔ قاراباغ به خاک ارمنستان را دارد، یک جنگ اعلان نشده بین جمهوری آغازگشت.

۱ - دربارهٔ این نکته همچنین نگاه: د خول.

۲ - دربارهٔ جنگ ۱۹۹۲ در داغلقق قاراباغ می‌توانید رک: "آذربایجان شمالی پس از احیای استقلال" (فصل ۷) (کهنه‌گ، ۱۳۷۲) از من.

۳ - دربارهٔ این اقدامات می‌توانید رک: همان (فصل ۸).

پیشروی نیروهای ارمنی در خاک آذربایجان شمالی آن چنان سریع بود، که آنها چهار روز پس از تهاجم شان موفق گردیدند يك دهم از خاک این جمهوری را متصرف شوند.

سفیر آذربایجان شمالی در مسکو در ۴ آوریل ارمنستان را به نوعی "پاکسازی - قومی" - از گونه پاکسازی‌های قومی مشابه توسط صرب‌ها در بوسنی - هرزگوین - در ناحیه خالبا جار متهم ساخت.

ارامنه با تصرف ناحیه خالبا جار موفق گشتند قاراباغ علیا را با دالانسی به خاک ارمنستان متصل سازند.^۱

از عواقب تراژیک جنگ خونین ارامنه - آذری‌های شمالی پیدایش مسأله پناهندگی بود. ۱۴ آوریل ۱۹۹۳ کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد گزارش داد که،

۵۰/۰۰۰ آذری فراری از جنگ در قاراباغ یافت می‌شود.^۳

۱۵ ژوئن "جامعه اقتصادی اروپا" مبلغ ۴ میلیون اکو (واحد پول اروپا) ، تقریباً

معادل ۱۶ میلیون فرانک فرانسه برای کمک به پناهندگان قفقاز اختصاص داد.

در ماه ژوئیه حمله ارمنستان به برج نظامی مهم آذربایجان شمالی، اقدام، در مرکز جمهوری آغاز گشت.

اقدام، ه ژوئیه: راه خروج از اقدام از اتوبییل‌های شخصی و کامیون‌های حامل فرار - بیان از شهر با مایملکشان پربود. حملات نارنجکی و خمپاره‌ای ارامنه از فراز کوه‌های اطراف اقدام در عرض فقط يك شب اهالی شهر را متواری ساخت.

این شهر مرکزی آذربایجان شمالی جبهه‌ای تازه در طول پنج سال درگیری‌ها و جنگ گشت.

شکست آذربایجان شمالی در اینجا می‌توانست ارتش جمهوری را، که ماه‌ها از ضعف روحیه و فرار سربازانش رنج برده بود، تا حد زیادی تضعیف نموده، باز پس‌گیری ناحیه داغلق قاراباغ از ارامنه را برای همیشه غیر ممکن سازد.

رهبری نظامی در ناحیه داغلق قاراباغ ه ژوئیه در اعلامیه‌ای بیان داشت که،

"ارمنستان قصد اشغال اقدام را ندارد"، مقصود تنها پاسیو ساختن مواضعی است که از آنها ناگورنو کاراباخ (نام ارمنی داغلق قاراباغ) می‌تواند مورد حمله قرار گیرد.

رهبران ارمنستان در ایروان گفتند که، آنها قادر به کنترل قوم ارمنی در ناگورنو

کاراباخ نیستند، که از بحران آذربایجان شمالی برای حملاتشان استفاده نموده‌اند.

اقدام، که پیش از آغاز جنگ دارای ۲۰/۰۰۰ سکنه بود، روز ۴ ژوئیه ۱۲ ساعت

متوالی بمباران گشت. حمله صبح ه ژوئیه فروکش نمود، اما ظهر هنگام از سر گرفته شد.

۱- درباره جنگ اعلان نشده و جمهوری می‌توانید رك: همان (فصل ۱۱).

۳- درباره مسأله پناهندگی در قفقاز می‌توانید رك: همان (فصل ۱۲).

مقامات محلی گفتند که، نیروی تقویتی قابل ملاحظه‌ای به شهر نرسیده است، و آن هر لحظه می‌تواند سقوط کند.

در بیمارستان شهر پزشکان می‌گفتند که، تحت بمباران ۴ ژوئیه حداقل ۱۰ تن به قتل رسیده و ۱۲۰ تن دیگر مجروح گشته‌اند. اما به قول مامدوف مدیر عامل اداره منطقه‌ای، دست کم ۱۰۰ تن جان باختند.

در بازار مرکزی شهر برخی فروشندگان سرگرم فروختن هلو و توت‌فرنگی بودند، در حالیکه شمار کثیری وسیله نقلیه برای فرار از شهر می‌جستند. آجر پاره و خرده - شیشه همه جا پراکنده شده بود، و بر سطح خیابان‌ها حفره‌های عمیقی بر اثر اصابت نارنجک دیده می‌شد.

یک رهگذر عادی به نام خلیف، ۵۸ ساله، می‌گفت: "ارامنه با تمام سلاح‌هاشان به طرف ما شلیک می‌کردند. تقریباً همه فرار کرده‌اند. شاید ما هم نتوانیم باقی به مانیم، اما من نمی‌دانم که کجا باید برویم."

موجی بزرگ از فراریان از اقدم از یگانه راه موجود، که تا ۵ ژوئیه هنوز تحت کنترل ارتش آزربایجان شمالی قرار داشت، در حال گریز به سوی شمال بودند.

خانواده‌ها زیرگاری‌ها به استراحت مشغول بوده، خود را با پتو از آزار آفتاب سوزان حمایت می‌کردند. نظامیان زیادی به چشم نمی‌خورد، تنها برخی سرباز دیده می‌شد. دو تانک در حاشیه راه بود، و یک خودرو نفربر زرهی خالی بیرون بیمارستان شهر پارک نموده بود.

نخست وزیر تازه آزربایجان شمالی صورت حسینف قول ارسال نیروی تقویتی به جبهه را داد. او ۴ ژوئیه از دو اطلبان خواست خود را معرفی نمایند، و گفت که، سربازان فراری در صورت بازگشت به واحد‌هایشان مورد بخشش قرار خواهند گرفت. ولیکن سربازان و غیر نظامیان زیادی یأسشان را بیان می‌نمودند. از جمله توماس علیف فرماندار شهر محاصره شده فزولی، در ۵ کیلومتری اقدم، می‌گفت: "ارامنه خیلی قویترند. ما هر امیدی را از دست داده‌ایم. دیسپلین ما صفر است. ما نمی‌دانیم تا چه مدتی قادر به ایستادگی خواهیم بود."

۲۵ ژوئیه ۱۹۹۳ به گزارش مقامات آزربایجان شمالی و جدایی طلبان ارمنی در ناحیه داغلقق قاراباغ، طرفین به برقراری یک آتش‌بس رضایت دادند. قرار این آتش-بس روز ۲ ژوئیه گذارده شد، اما بی‌آنکه نتیجه‌ای داشته باشد.

منابع آگاه بین‌المللی نزدیک به طرفین ارمنی و آزری شمالی می‌گفتند که، آنچه خیلی سریع کارها را بسیار دشوار و پیچیده تر می‌سازد، انباشته شدن کینه‌ها و افزایش احساسات انتقام جویانه است.

یک دکتر فرانسوی که از قاراباغ به پاریس بازگشته بود، می‌گفت در هر دو طرف باور

نکردنی‌ترین داستان‌ها از فجایع و کشتارها، تساوت‌ها، که ارامنه نسبت به آذری‌ها یا آذری‌ها دربارهٔ ارامنه روا داشته‌اند، نقل محافل است، و در چنین حالتی تنها يك اقدام سریع دسته جمعی می‌تواند مانع فجایع و کشتارهای واقعی گردد.

در این میان، مطبوعات آزاد، ولی روی هم رفته غیر مسؤول ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نیز در رقابت برای جلب افکار عمومی آذری‌های شمالی، مثلاً آوردن روایت‌های مبالغه آمیز دربارهٔ قاراباغ "آتش‌بیار" معرکه گشته بودند.

تا جایی که به وضعیت و تناسب نیروهای متخاصم در جنگ مربوط می‌گردد، برخلاف ارامنه که به نظر می‌رسید از نظر نظامی دارای آمادگی بیشتری باشند (و حتی چریک‌ها و شبه نظامیان قاراباغ از سلسله مراتب فرماندهی برخوردار بودند)، چنین روحیه‌ای در میان آذری‌های شمالی وجود نداشت، و حتی مطلبوف رئیس جمهوری اسبق آذربایجان شمالی پذیرفته بود که ارتش فاقد فرماندهی است، و در قاراباغ هر سرگروه‌بان و هر سرجوخه‌ای دسته‌ای رامانداخته، و "خون ارمنی - مسیحی" می‌خواهد.

با بالا گرفتن جنگ میان آذربایجان شمالی و ارمنستان بر سر کنترل قاراباغ علیا و پیشروی نیروهای ارمنی تا شهر فزولی، که در صورت سقوط می‌توانست گسترش دهند، دامنهٔ جنگ تا رود آراز، مرز آذربایجان جنوبی و شمالی، گردید، احتمال دخالت خواسته یا ناخواسته ایران در آشوب‌ها و نبردها افزایش یافت.

با پیروزی پیاپی ارامنهٔ قاراباغ علیا و نیروهای نظامی جمهوری ارمنستان، حیدر علیف رئیس پارلمان و رئیس جمهوری موقت آذربایجان شمالی خواستار دخالت ایران گردید. به گزارش رادیو تهران، علیف در يك گفتگوی تلفنی با علی اکبر ولایتی وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران از وی خواست به هر اقدامی که می‌تواند برای جلوگیری از سقوط کامل شهر اقدم و اشغال آن به وسیلهٔ نیروهای ارمنی دست به زند. به موجب همین گزارش، ولایتی در این گفتگوی تلفنی اشغال اقدم به وسیلهٔ ارامنه را محکوم ساخت. واشنگتن، آنکارا و مسکو پیشاپیش تسخیر شهر استراتژیک اقدم از سوی نیروهای ارمنی را محکوم نموده بودند. وزارت خارجهٔ ایالات متحده آمریکا این اقدام را "به شدت" محکوم و تأیید نمود که "دفاع مشروع" نمی‌تواند توجیه گر اشغال خاک آذربایجان باشد.

در گذشته تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای میانجیگری در درگیری‌های ارمنستان و آذربایجان شمالی موفقیت آمیز نبود، و این بار نیز به نظر نمی‌رسید که بخت بلندتری داشته باشد. به گفتهٔ منابع رسمی ارمنی، عمدهٔ نیروهای آذربایجانی شامگاه جمعه ۲۳ ژوئیه شهر را از طریق راهرویی که در شرق اقدم برایشان باز شد، ترک نمودند. به قول مقامات باکو، حمله به اقدم پنجشنبه شب آغاز گشت، و در آن شش هزار

سرباز و شصت زرهپوش و همچنین نیروهای ارتش و موم ارمنستان شرکت داشتند .
منابع نظامی ارمنی شامگاه جمعه اعلام داشتند که " آغاز به تخریب تأسیسات
نظامی اقدام نمود هاند . "

بنا به روایت وزارت دفاع باکو در روز جمعه ، زرهپوش های ارمنی در يك كيلومترى
شهر فزولى متوقف گشته ، ارتباط آن را با شهر جبرئيل ، واقع در جنوب قاراباغ عليا ،
قطع نمودند . فزولى نیز از مراکز مهم نظامی جمهوری آذربایجان شمالی محسوب -
می گردد . پایگاه های نظامی شهر فزولى فعالیت ارتش آذربایجان شمالی را در
جنوب غربی جمهوری برعهده دارند ، و سقوط این شهر پیروزی های ارامنه را برای
ایجاد يك ناحیه امنیتی تحت کنترل خویش از جنوب قاراباغ تا ساحل رود آراز تکمیل
می نمود .

در يك تحول دیگر ، روزنامه " جمهوری اسلامی " نوشت که ، دو هواپیمای شکاری -
بمب افکن روسیه روز جمعه در شمال اردبیل به حریم هوایی ایران تجاوز نمود ، هر
فراز پارس آباد مغان دیوار صوتی را شکستند . به نوشته روزنامه مذکور ، این هواپیماها
سپس وارد حریم هوایی جمهوری آذربایجان شدند .

همچنین ؛ فرزند هواپیمای سوخوی ۲۵ و میگ ۲۴ آذربایجان شمالی صبح روز
شنبه ۲۴ ژوئیه بخشی در شرق آذربایجان را بمباران نمودند . در این بمباران ۱۰
تن کشته و ۶ تن دیگر زخمی شدند .

نکته دیگر در رابطه با تحولات جنگ دامنگیر گشتن آن به ناحیه نخجوان بود .
در جریان درگیری های مسلحانه بر سر رود قاراباغ ارمنستان رابطه نخجوان را
با جمهوری آذربایجان شمالی قطع نمود .

ارمنستان سعی کرده است با تحکیم روابطش با روسیه و ایران در مقابل حضور
ترکیه در منطقه توازی ایجاد نماید . به همین جهت ، هنگامیکه کلیه جماهیر شوروی
سابق برای کسب استقلال از هم سبقت می گرفتند ، ارمنستان با روشی بسیار محافظه -
کارانه عمل نمود ؛ وانگهی ، در مواردی نشان داده است که برای " حداکثر همکاری در
تمام زمینه ها با کشورهای " جامعه دول مستقل " آماده است . اضافه بر این ، ارمنستان
اقدام به امضای يك قرارداد امنیتی با روسیه نمود ، که به موجب آن نیروهای
" جامعه دول مستقل " (اساسا روسی) در خاک ارمنستان باقی خواهند ماند ، و به آن
کشور کمک خواهند نمود که ارتش مستقلی برای خویش بسازد .

مقامات ارمنستان روی حمایت ایران نیز حساب می کنند . تر - پتروسیان رئیس
جمهوری ارمنستان در يك بیانیه ایران را مشابه در ریچهای دانست که ارمنستان را با
جهان مرتبط می سازد . وی گوشزد نمود که هرگاه ترکیه به خواهد اقدام به عمل
خصمانه ای علیه ارمنستان نماید ، با واکنش ایران روبرو خواهد گردید . در اوایل سال
۱۹۹۲ دولت ارمنستان میانجیگری ایران را برای حل اختلافات مرزیش با آذربایجان
شمالی پذیرفت ، اما تند روهای ارمنی کوشش ها را نقش بر آب ساختند ، زیرا هنگامی که
هیأت ارمنستان در تهران مشغول مذاکره با هیأت آذربایجان شمالی بود ، آنان از

فرصت استفاده نمود، قاراباغ را به تصرف درآوردند. از آن بدتر، ما بین قاراباغ و ارمنستان دالانی به طول ۱۲ کیلومتر ایجاد نمودند و ۵۰ هزار سکنه آذری شمالی آن را وادار به ترك محل زندگی خود ساختند. این "پاکسازی قومی" بیش از دو سال توسط ارامنه در جریان بود، و تحت آن سکنه آذری شمالی با خشونت مجبور به فرار می شدند. يك خبرنگار غربی که در سال ۱۹۹۱ سفری به منطقه داشته است، شرح می داد که در يك گفتگوی خودمآنی با يك آذربایجانی او از مظالم ارامنه شکوه نموده، و اظهار داشت: "به امید آن روزی است که آذربایجانی ها از زیر چکمه روس ها درآیند، محصولا نشان را در بازارهای جهان بفروشند، و با پول آن اسلحه بخرند، و پسرانشان را مسلح کنند تا انتقام خود را از ارامنه بگیرند."

ارمنستان و آذربایجان شمالی در نخجوان نیز دارای درگیری جداگانه ای بودند. بسیاری از ۲۰۰ هزار سکنه این ناحیه، که با آذربایجان جنوبی و ترکیه هم مرزست، با آذری های جنوبی خویشاوندند. به واسطه قطع رابطه نخجوان با جمهوری آذربایجان شمالی، ایران پیشنهاد نموده است که دو قطعه خاک جدا از هم از مسیر ایران با یکدیگر ارتباط بیابند. ترکیه نیز در صدد بوده است راه هایی برای کاهش فشار روی آذربایجان شمالی بیابد. از نظر مقامات ترك قرارداد ۱۹۲۱ آنان با اتحاد شوروی سابق، که به ترکیه اجازه شتافتن به یاری نخجوان را بنا به ضرورت می دهد، هنوز معتبرست. تقریباً محتمل بود که هر گاه ترکیه به خواهد حرف خود را تبدیل به عمل نماید، با مقابله ایران روبرو گردد. با اطلاع از حساسیت این موضوع سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه مدتی پیش اعلام نمود که، ترکیه مبادرت به دخالت نظامی در نخجوان نخواهد کرد.

دمیرل معتقدست که هر گاه ترکیه به نخجوان لشکرکشی نماید، مجبور خواهد گشت به مدت ۲۰ سال در آنجا به ماند، و به علاوه يك چنان دخالت نظامی تبدیل سازنده مسأله آذربایجان شمالی و ارمنستان به يك رویارویی اسلام و مسیحیت خواهد بود. غلیان احساسات ناسیونالیستی در ترکیه برای دخالت نظامی در نخجوان روس ها را وادار به واکنش صریح از خود ساخت. مارشال شاپوشنیکف فرمانده نیروهای "جامعه دول مستقل" اخطار نمود که، با هر نوع مداخله نظامی مقابله خواهد کرد. از قرار معلوم این اخطار سبب گشت که ترك های هیجان زده بر احساسات خویش غالب شوند، و بیش از آن موضوع دخالت نظامی ترکیه در نخجوان را دنبال نمایند.

ارمنستان که از بالا گرفتن اختلافات منطقه بیمناک بود، به اقداماتی برای آرام ساختن ترکیه دست زد. در يك ژست آشتی جویانه دولت ارمنستان از ارامنه آمریکا درخواست نمود که از ایجاد مزاحمت برای ترك ها خودداری نمایند، و وقایع سال ۱۹۱۵ را به رخ آنان نکنند. همچنین هنگامی که وزیر خارجه پیشین ارمنستان، تبعه آمریکا، آغاز به جبهه گیری های ضد ترکیه نمود، از وی خواسته شد که از مقام خود کناره گیرد. مقامات ترکیه از استعفای او اظهار خشنودی نمودند.

عامل دیگری در پیچیدگی روابط جماهیر آذربایجان شمالی و ارمنستان اختلافات

مرزی است. این اختلافات سابقه‌اش به عصر استالین^۱ بازمی‌گردد، زمانی که مرزهای مصنوعی بین جماهیر غیر روس در امپراتوری شوروی خلق گردید. تا جایی که به دو جمهوری آذربایجان شمالی و ارمنستان مربوط می‌شود، در نتیجه این امر ۹/۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی آذربایجان شمالی از آن منتزع و به ارمنستان اهدا گشت.^۲ در واقع پیش از آنکه مرزهای پیچیده و آشفتۀ کنونی به دستور استالین به وجود آید، کل منطقه آسیای مرکزی به نام ترکستان خوانده می‌شد. اسلام کریمف رئیس جمهور آذربایجان به این موضوع اشاره نموده است که "اگر کسی بخواهد یکی از جماهیر را بر علیه جمهوری‌های دیگر بشوراند، کافست که حرفی از مرزها به پیش بکشد". در حالیکه تا ۲ اوت ۱۹۹۳ شهر فزولی در معرض سقوط قرار داشت، ۱۵۰ هزار آذری شمالی آواره به مرز آذربایجان جنوبی نزدیک می‌شدند.

سازمان ملل متحد هیأتی را همراه با مایحتاج مورد نیاز مردم آذربایجان شمالی به جنوب آن سرزمین اعزام داشت.

ران رد مونه سخنگوی سازمان ملل گفت: "اعضای کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد قبلاً چهار بار بی نتیجه برای رسیدن به شهر فزولی در جنوب قاراباغ علیا و نزدیک مرز ایران تلاش کرده بودند." او گفت که، این بار سازمان ملل پایگاه کمک رسانی و بررسی‌های خود را در نزدیکی تبریز، واقع در ایران، قرار داده است، و افزود: "حدس ما اینست که حدود ۱۵۰ هزار پناهنده آذری، که از وحشت بمباران ارامنه گریخته‌اند، به فزولی رسیده‌اند، و به زودی به نوار مرزی ایران خواهند رسید." سخنگوی سازمان ملل گفت: "وسایل مورد نیاز این پناهنده‌ها را از ترکیه به شمال ایران منتقل کرده‌ایم."

ارامنه مقیم ایران تجاوز نیروهای ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان شمالی را محکوم ساختند. تجاوز ارمنستان به خاک آذربایجان شمالی البته از دیدگاه حقوق بین‌المللی، منشور سازمان ملل متحد و به موجب مقاله‌هایی که هر گونه تغییر مرزها از راه زور را ناپذیرفته می‌داند، محکوم است. اصل حسن همجواری نیز روا نمی‌دارد که سرزمینی به محض آنکه همسایه‌اش را ناتوان یافت، بر جهد و تکه‌ای از خاک او را به بلعد.

روز پنجشنبه ۱۲ اوت جمهوری اسلامی ایران با چرخشی در سیاستش ضمن هشدار و اخطاری جدی به ارمنستان، خواهان عقب نشینی فوری و بی قید و شرط نیروهای ارمنستان از خاک جمهوری آذربایجان شمالی گشت، و اعلام نمود که، جمهوری اسلامی نسبت به "تجاوز" چنین نزدیک به خاک ایران بی‌اعتنا نخواهد ماند. رویه جمهوری اسلامی ایران با نزدیک شدن نیروهای ارمنی، در خاک آذربایجان

۱- (۱۹۵۳-۱۸۷۹)

۲- در این رابطه می‌توانید رک: "مسئله داغلق قره باغ" (فصل ۳).

شمالی به مرزهای آذربایجان جنوبی، که خطر پناه آوردن صدها هزار آواره آذری شمالی به بخش جنوبی آذربایجان را در پی داشت، تغییر نمود. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به حملات ارمنستان، روز ۱۲ اوت با انتشار بیانیه‌ای "تجاوزات" ارمنستان را محکوم ساخت، و خواستار خروج سریع و بی قید و بی شرط تمام نیروهای ارمنی از کل نواحی اشغال شده آذربایجان شمالی گردید.

به گفته حیدرعلیف، حملات نیروهای ارمنستان به خاک آذربایجان شمالی به آوا-رگی ۶۲۰ هزار تن منجر گردید، و ۰/۰۱۷ از خاک آن کشور به تصرف نیروهای ارمنی درآمد. رادیو جمهوری اسلامی ایران در تفسیر سیاسی روز ۱۵ اوت خود نیروهای ارمنی را "متجاوز" و اقدام ارمنستان را "تجاوز" توصیف و گفت: "از آنجا که این تجاوزات در قطعنامه‌های ۸۲۳ و ۸۵۳ شورای امنیت محکوم شده، هیچ محل قانونی و توجیه منطقی برای تجاوز نیروهای ارمنستان وجود ندارد." جمهوری اسلامی ایران همچنین جهت مشارکت در تلاش‌های صلحجویانه اعلام آمادگی نمود. تهران تا به تاریخ مذکور از بیم سقوط ارمنستان، که فراهم آوردن امکان پیوند مستقیم ترکیه و جمهوری آذربایجان شمالی است، و عرصه را بر سیاست‌های بلندپر-وازانۀ ترکیه می‌گشود، به طور تلویحی و سرپوشیده حمایت‌های خود را بیشتر متوجه ارمنستان می‌ساخت. اما با برکناری ایلچی بیگ، مخالف سرسخت جمهوری اسلامی، و با گشایش به جانب ترکیه، و جایگزینی او به وسیله حیدرعلیف سیاستمدار کهنه کار آذر-بایجان شمالی، که روابط خود را با جمهوری اسلامی حفظ نموده بود، و به ویژه با نزدیک شدن حملات ارمنستان به مرزهای آذربایجان جنوبی سیاست جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت. رادیو جمهوری اسلامی ایران در تفسیر خود هشدار داد که، "تجاوزات" ارمنستان خطر مداخله پنهان و آشکار کشورهای خارج از منطقه را در بر دارد، و احتمالاً گسترش دامنه جنگ را به مناطق اطراف افزایش می‌دهد. در این اثنا رسانه‌های جمعی احتمال نزدیک به یقین دادند که ادامه جنگ سبب خواهد - گشت بیش از ۱۵۰ هزار تن از جمهوری آذربایجان شمالی به خاک ایران پناه آورند، و این باری بسیار سنگین بر ایران خواهد بود.

با شکست‌های پی در پی نیروهای آذربایجان شمالی از ارمنه قاراباغ در بخش‌های نزدیک مرز آذربایجان جنوبی، هجوم از جنگ‌گریختگان در اواخر ماه اوت به سوی نوار مرزی ایران شدت گرفت.

ارمنه قاراباغ در اواخر ماه اوت شهرهای فزولی و جبرئیل را، که بیش از ۳۰ کیلو-متر با مرز آذربایجان جنوبی فاصله ندارند، کاملاً به محاصره خود درآوردند، و ارتباط صدها هزار تن از ساکنان این نواحی را با نقاط دیگر کشور قطع نمودند. اهالی این شهرها نیز خانه و کاشانه خویش را رها ساخته، به بیابان‌های اطراف گریختند.

سازمان‌های کمک‌رسانی بین‌المللی، که پایگاه‌های امدادشان در آذربایجان جنوبی قرار داشت، از طریق ایران و ترکیه چادر، پتو و وسایل لازم دیگر را به آن سوی

مرز آذربایجان جنوبی حمل نموده، در اختیار فراریان آذری شمالی قرار دادند. به دنبال بمباران شهر کوباتلی، واقع در سی کیلومتری مرز آذربایجان جنوبی، توسط ارمنه در اواسط ماه اوت، صف طولی از اهالی ناحیه به سوی مرز آذربایجان جنوبی سرازیر گشت.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نگران آن بود که با شدت گرفتن حملات نیروهای ارمنی به شهرها و بخش‌های مختلف آذربایجان شمالی ده‌ها هزار تن برای عبور از نوار مرزی و ورود به خاک ایران فشار آورند. در اواخر ماه اوت ده‌ها هزار آذری شمالی در نواحی مرزی آذربایجان جنوبی مجتمع گشته بودند. در این حال، گفتگوهای سه جانبه میان ایالات متحده آمریکا، روسیه و ترکیه جهت یافتن راه حل پایان مخاصمه و تخلیه خاک آذربایجان شمالی از نیروهای ارمنی هنوز به نتیجه نرسیده بود.

در اواخر ماه اوت ارمنه حلقه محاصره پیرامون شهرهای آذربایجان شمالی را تنگ تر نمودند، و هر آن احتمال سقوط یکی از این شهرها می‌رفت. به گفته مسوولان جمهوری اسلامی ایران، شمار کسانی که در منطقه مرزی ایران گرد آمده بودند، بسیار بیشتر از آن بود که از سوی خبرگزاری‌ها اعلام گشته بود. در این حال، روز شنبه ۲۱ اوت لئون تره پتروسیان یکی از رهبران سیاسی قاراباغ را به عنوان وزیر دفاع ارمنستان تعیین نمود. این در حالی بود که جمهوری ارمنستان هر گونه دخالت خود را در نبردهایی که از سه سال پیش میان ارمنه قاراباغ و نیروهای آذربایجان شمالی جریان داشت، تکذیب می‌نمود. از سوی دیگر، وزارت کشور آذربایجان شمالی در اواسط ماه اوت اعلام نمود که، یک سرهنگ آذری به نام علی کرم گنبدوف با تصرف هفت ناحیه در جنوب آذربایجان، در آنجا جمهوری خود مختار طالش اعلام نموده است. طالش در شمال شهر لنکران قرار دارد، و اهالی آن فارسی زبانند. به گفته وزارت کشور جمهوری آذربایجان شمالی، علی کرم گنبدوف از حمایت "حزب الله" جمهوری اسلامی ایران برخوردار بود، اما جمهوری اسلامی هر گونه دخالت خود در اعلام استقلال جمهوری طالش را تکذیب نمود.

در اواسط ماه اوت علی اکبر ولایتی در پایان سفرش به باکو، بار دیگر حملات نیروهای ارمنی را سخت محکوم ساخت، و از ارمنه خواهان خاتمه بلا شرط "تجاوزات" شان گشته، اعلام داشت که ایران به هیچ وجه پذیرای تغییرات مرزی در منطقه نیست. نخست وزیر ترکیه تن سوچیلر نیز از ارمنستان خواستار تجدید نظر در سیاستش گشت، و در غیر این صورت به ارمنستان اخطار نمود که باید منتظر عواقب آن باشد. در این میان، راديو "آزادی"، که از آلمان به زبان آذری برنامه پخش می‌نماید، روز شنبه ۲۱ اوت گزارش داد که، با تشدید حملات نیروهای ارمنی به شهرهای جنوبی آذربایجان شمالی، از جمله فزولی، جبرئیل و قبادلی، و با گسترش درگیری‌ها به مناطق مرزی ایران، چندین گلوله توپ در روستاهای اطراف بخش اصلاندوز مغان در آذر-

بایجان جنوبی فرود آمده است. اما يك مقام مسؤول در بخش داری اصلاندوز مغان در تماس با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با تکذیب این خبر، اوضاع مرزهای جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان شمالی را در این منطقه عادی توصیف نمود. ولی از دیگر سو، يك مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن خودداری از تأیید یا تکذیب این خبر، گفت، با توجه به نزدیکی محل درگیری‌ها با مرز ایران، وقوع چنین اتفاقی محتمل است. و افزود، چنانچه این اقدام غیر مسؤلهانه نیروهای ارمنی تأیید شود، وزارت خارجه عکس العمل نشان خواهد داد.

نیروهای ارمنی با تکذیب این گزارش، گفتند، ممکنست نیروهای آذربایجان که به اصلاندوز مغان نزدیک ترند تا نیروهای ارمنی، خود چند خمپاره به روستاهای ایران شلیک کرده باشند تا آن را به آرامه نسبت دهند.

بر اساس گزارش‌های واصله از مناطق مرزی آذربایجان جنوبی در اوایل سپتامبر، شمار آذری‌های شمالی راه یافته به این سرزمین تا به آن تاریخ اندک بود. به گفته بخشدار خداآفرین، تا به آن زمان تعدادی بیماری یا زخمی از مرز عبور نموده بودند، که به بیمارستان‌های منطقه انتقال یافتند، و آتش توپخانه آرامه در ۲۸ و ۲۹ اوت فروکش نموده بود، و آوارگان آذری از این فرصت برای رفتن به سوی باکو به جای آمدن به ایران استفاده می‌نمودند. در صورتیکه جنگ از سر نو شدت می‌یافت، این آوارگان مجبور می‌گشتند راه رفته را بازگردند، و به سوی آذربایجان جنوبی روی آورند.

به گزارش فرستاده ویژه خبرگزاری فرانسه به منطقه، وضع خداآفرین، که یکی از مهمترین راه‌های عبور میان آذربایجان جنوبی و شمالی است، در اوایل ماه اوت کاملاً عادی بود، و با آنکه جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که، نیروهای نظامی کمکی به منطقه فرستاده، و نیروهای خود را به حال آماده باش در آورده است، هیچگونه حضور نظامی غیر عادی در خداآفرین دیده نمی‌شد.

در این حال، هیتوش میسه، قائم مقام ژاپنی کمیساریای عالی پناهندگی مأمور در ایران، روز ۲۹ اوت اعلام نمود که، در هفته نخست سپتامبر محموله‌ای از ضروریات اولیه برای پناهجویان آذربایجانی به ایران ارسال خواهد گشت.

وی شامگاه روز ۲۶ اوت از نوار مرزی اصلاندوز در خداآفرین دیدار نمود.

به گفته هیتوش میسه، کمیساریای سازمان ملل فقط مسؤلیت پناهندگانی را بر عهده داشت که وارد خاک ایران شوند، و از آنجا که آوارگان مستقر در شمال رود آراز، که شمارشان بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار برآورد می‌شد، هنوز وارد خاک ایران نشده بودند، پناهنده محسوب نمی‌گشتند.

وی همچنین اظهار داشت که، دفتر کمیساریای پناهندگی در باکو جهت ارتباط با مقامات دولت آذربایجان دچار مشکل است، و افزود که، دفتر کمیساریای پناهندگی در باکو و ایران سعی دارند از طریق همکاری با دولت‌های آذربایجان و

ایران راه حلی برای آوارگان آذری بیابند .

شهرهای فزولی و جبرئیل در اوایل سپتامبر به کلی خالی از سکنه شده و در کنترل نیروهای ارمی قرار گرفته بودند .

در این حال ، علی اکبر ولایتی از وزیر خارجهٔ پاکستان ، که عهده دار ریاست "اگو" (سازمان همکاری های اقتصادی) است ، خواست راهی برای پایان دادن به تجاوزات ارمستان بیاید ، و کمیته ای برای حمایت از آذربایجان تشکیل دهد .

سازمان "اگو" که در سال ۱۹۸۵ توسط ایران ، پاکستان و ترکیه به وجود آمد ، در سال ۱۹۹۲ شش جمهوری مسلمان نشین شوروی سابق ، آذربایجان شمالی ، تر-

کمستان ، ازبکستان ، قرقیزستان و تاجیکستان ، و همچنین افغانستان را نیز در بر گرفت . از سوی دیگر ، علی اکبر ناطق نوری ، رئیس مجلس اسلامی ، روز ۲۹ اوت طی نطقی

در مجلس "تجاوزات" ارمستان را محکوم ساخت ، و از ارامنه خواست اختلافات خود با آذربایجان را از راه های سالمت آمیز حل نمایند . وی همچنین گفت : "جنگ میان

ارامنه و آذری ها به مرزهای ایران نزدیک شده ، و امنیت ایران را تهدید می کند ."

ه سپتامبر خبر برخورد های نظامی محدودی بین نیروهای آذری شمالی و ارمی در نزدیکی شهر گورادزه ، در چند کیلومتری مرز آذربایجان جنوبی ، منتشر گشت . از تعداد مجروحان یا کشتهگان خبری داده نشد .

"معاملهٔ انسان" در حجمی وسیع جریان داشت .

آرزو عبدالایفا ، عضو کمیسیون دولتی آذربایجان شمالی برای گروهان ها ، می گفت : "آدم ها با اغذیه ، بنزین ، پول یا طلا مبادله می شوند ." (۱)

قربانیان هزاران دهقان وحشت زده بودند ، که تلاش داشتند از مخصصهٔ جنگ به گریزند .

آندره پیکوت^۱ ، رهبر کمیتهٔ "صلیب سرخ" بین المللی (آمدشی . آر. شی .) ، می - گفت : "با هر پیشروی یکی از طرفین ، غیر نظامیان مجبور به ترك ناحیه ای می شوند .

آنان که شانس فرار به موقع را پیدا نمی کنند ، به گروهان گرفته می شوند ."

آنارشا حاکم به ده ها گروه بی وجدان و عاری از اخلاق امکان مناسب اشتغال با گروهان گیری ، هم از بین افراد نظامی و هم غیر نظامی ، را داده بود . گروهان گیری

بازار گرمی یافته بود ، و بسیاری از اسرا در منازل خصوصی در انتظار مبادله نگاهداری می شدند .

شبکه ای از سوداگران و گروهان گیران بین یکدیگر امور پولی یا مبادلهٔ اسرا را انجام می دادند . مأموران کمک های اضطراری می گفتند ، که جالبست که یک افسر جوان را می -

توان در ازا^۲ پنج اسیر زن یا ۲۰۰۰ / لیتر بنزین و یا یک میلیون روبل خرید !
در نخستین ایام سپتامبر ترکیه و ایران نگرانی فزایندهٔ شان را از پیشروی ارمستان

در آذربایجان شمالی ابراز نمودند، و دو کشور نامبرده نیروهایشان را در مرزها به حال آماده باش درآوردند.

۹ سپتامبر نیروهای ترکیه به حال آماده باش درآمدند، و نخست وزیر ترکیه اخطار نمود که، در صورت دخالت ارمنستان در روابط ناحیه نخجوان جنگ خواهد شد.

همزمان يك سخنگوی نظامی ترکیه به نام سرهنگ د و گو سیلا چیموولو گفت:

" ارتش مصمم به انجام هر نوع وظیفه‌ای به هدف تضمین صلح و ثبات در منطقه و به عقب نشینی واداشتن ارمنستان از آذربایجان، دوست و برادر ترکیه است."

جنگ تا اوایل ماه سپتامبر به بهای قتل ۱۵۰۰۰ تن تمام شد، و يك میلیون

آزری شمالی فراری موجد مسأله آوارگی بزرگی در کرانه های رود آراز گشتند.

ترکیه اعلام داشت که، از تجمع نیروهای ایران در نواحی مرزی آن کشور با

جمهوری آذربایجان ناخشنودست. سخنگوی دولت ترکیه در آنکارا گفت: "استقرار

ارتش ایران در آن نواحی به نگرانی‌هایی که از بابت حضور ارتش ارامنه و جنگ‌های

شدید در منطقه وجود داشته افزوده است." به گفته یولد ریم آکتونا، سخنگوی دولت

ترکیه، ایران خواستار يك ناحیه امن برای اسکان صدها هزار پناهنده آزری، که پس

از تصرف شهرهای آنها به وسیله ارامنه به مرز ایران یورش برده بودند، شد.

خبرنگاران بعضی از آژانس‌های بین‌المللی گزارش دادند که، يك تیپ از ارتش

ایران همراه ساز و برگ نظامی به قصد حفاظت از تأسیسات سد آراز وارد خاک آزر-

بایجان شد، و ارامنه نیز به طور غیر رسمی به تأیید این موضوع پرداختند. به

گزارش "رویتر"، سخنگوی دولت ترکیه پس از پایان جلسه کابینه دولت، که به همین منظور

تشکیل یافته بود، گفت: "هنوز ورود سربازان ایران به داخل خاک آذربایجان تأیید

نشده، اما ایران خواهان ناحیه امن به وسعت بیست کیلومتر شده تا آزری‌های فراری

را در آن جای دهد." این سخنگو دقیقاً نکتت ناحیه مورد درخواست ایران در کدام

سوی مرز قرار دارد، اما یادآور گشت که وزیر خارجه ترکیه سرگرم بررسی تقاضای جمهوری

اسلامی ایران است.

سخنگوی مزبور در مورد کمیت نیروهای ایران نیز اطلاعات بیشتری نداد. آکتونا

گفت: "استقرار نیروهای ایران در بخش‌های مورد مناقشه بعد تازه‌ای به ناآرامی-

های موجود می‌دهد، و صلح منطقه را تهدید خواهد کرد."

ولی بهر حال دولت ترکیه سرگرم تلاشی برای آرام ساختن وضع موجود بود.

از سخنگوی دولت ترکیه سؤال شد، آیا درگیری‌های موجود بر اوضاع ترکیه اثر می-

گذارد؟ او جواب داد: "ضمن آنکه ترکیه خواهان صلح و آرامش است، اما نمی‌تواند

نسبت به آنچه که در مرزهایش می‌گذرد، بی‌تفاوت باقی بماند."

جان مارسکا^۱، نماینده ویژه آمریکا در هیأت رسیدگی به مسأله قاراباغ علیا، در

اوایل سپتامبر در زمینه تنش‌های مرزی با اوزدوم - سن برك، معاون وزارت خارجه تركيه، در آنكارا گفتگو نمود.

در همین حال، روزنامه "رسالت" (تهران) نیز خبری در زمینه اعزام نیرو توسط دولت ایران برای مراقبت از سد آراز چاپ نمود. مقامات ایران به گفته خبر-گزاری "ایرنا"، آخر اولین هفته سپتامبر در ناحیه خدا آفرین در کنار رود آراز با مقامات آذربایجان شمالی ملاقات و مذاکره نمودند، و طی این دیدار تهران با درخواست باکو به منظور برپایی يك اردوگاه برای آوارگان آذری شمالی در خاک آن کشور موافقت نمود.

علی اکبر ولایتی نیز در نامه‌ای به پطرس غالی، دبیر کل سازمان ملل متحد، نگرانی ایران از حوادث منطقه را اعلام نمود، و از وی خواست سازمان ملل نسبت به خروج ارامنه از نواحی اشغالی در خاک آذربایجان شمالی اقدامی به عمل بیاورد. به دنبال اعزام نیرو و ساز و برگ نظامی از سوی دولت ایران به نواحی مرزی آذربایجان شمالی و ارمنستان، ترکیه هزاران سرباز و تجهیزات مفصل نظامی در مرزهای خود با ارمنستان مستقر ساخت. يك سخنگوی دولت ترکیه گفت: "آن کشور نگران امنیت در نواحی مرزی خویشست."

در همان حال، ارتش ترکیه نیز اعلام نمود که، جنگنده‌های نیروی هوایی آن کشور سرگرم پروازهای اطلاعاتی در فضای مرزهای مشترک با ارمنستان و آذربایجان هستند، و در صورت لزوم وارد عمل خواهند شد. سخنگوی دولت ترکیه یادآور گردید که، تجمع نیروهای ترکیه در منطقه به قصد رویارویی با نیروهای ایرانی که به منطقه اعزام شده‌اند، نیست.

سخنگوی وزارت خارجه ترکیه گفت: "تقویت استحکامات مرزی از سوی همسایگانی که تجاوز ارامنه آنها را تهدید می‌کند، امریست طبیعی." فرهت آتامان افزود: "گناه همه این آشوب‌ها به گردن ارمنستان است. آنها به آتش بس عقیده ندارند، و هم - چنان در حال پیشروی هستند."

آتامان اضافه نمود: "از این پس برخلاف گذشته که ترکیه بیطرف مانده بود، احتمال در حالت نظامی آنکارا وجود دارد. اکنون امنیت ما با خطر مواجه شده، و - ا - منته جنگ خیلی وسیع شده است."

اهالی شهر تاتوان گفتند: "در روزهای اخیر سیل سربازان و جنگ افزارهای سبک و سنگین به سوی ارمنستان روان است."

صالح محمدوف، وزیر دارایی آذربایجان شمالی، که از استانبول دیدار می - نمود، گفت: "ایرانی‌ها برای فراریان آذری اردوگاه‌هایی در نوار مرزی برپا کرده - اند." او افزود: "اگر ایرانی‌ها به قصد کمک به آذری‌ها وارد خاک آذربایجان شده باشند، اشکالی ندارد."

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، شهر گورادزه به تصرف ارامنه درآمد، و تا ۹ سپتامبر از عمر آزادی زنگلان نیز بیش از چندی باقی نمانده بود. وزیر دارایی آذربایجان

شمالی گفت: "هرچم ایران در روستاهای مرزی جمهوری آذربایجان برافراشته شده، اما این کار با رضایت دولت آذربایجان است."

در آن حال، روز شنبه ۹ سپتامبر در تهران اعلام گردید که، نیروهای جمهوری اسلامی از چند روز پیش به درخواست باکو تأمین امنیت دو سد نیمه کاره بر روی رود آراز در خداآفرین و دیو قلعه را بر عهده گرفته‌اند. به گفته یک مقام رسمی در تهران "به دنبال تشدید نبردها کارهای ساختمانی این دو سد، که به طور مشترک توسط ایران و آذربایجان جریان داشت، متوقف شد، و کارگران آنجا را تخلیه کردند، و هم اکنون نیروهای جمهوری اسلامی تأمین امنیت و وسایل ساختمانی این سدها را در دوسوی مرز بر عهده دارند."

مقامات ارمنی در اوایل سپتامبر خبر داده بودند که، نیروهای ایرانی در برخی مناطق از مرز گذشته، و وارد آذربایجان گشته‌اند؛ اما باکو این اخبار را تکذیب نمود. از سوی دیگر، در باکو اعلام شد که، مذاکرات جهت حل مناقشه قاراباغ روز ۹ سپتامبر تحت نظارت "کنفرانس همکاری و امنیت در اروپا" (ش. اس. شی. ای. او.)^۱ در مسکو آغاز می‌گردد. البته قرار بود این مذاکرات روز ۳۰ اوت شروع شود، ولی به درخواست حیدرعلیف تا تعیین نتیجه فرزندوم (نگا: فصل ۳) به تعویق افتاد.

در حالی که ایران هشدار داد که، حمله آرامنه به جمهوری آذربایجان را محکوم می‌نماید، و "هیچ تغییری" در مرزهای بین‌المللی را نمی‌پذیرد، روسیه گفت که، عبور نیروهای ایرانی از مرز جمهوری آذربایجان گسترده تر سازنده ابعاد مناقشه خواهد گشت. ایران عبور نیروهایش از مرز را تکذیب نمود. علی محمد بشارتی در حمله‌ای که از حیث شدت لحن بی سابقه بود، گفت که، نیروهای "متجاوز" ارمنی قصد اشغال دایمی آذربایجان را دارند.

نیروهای ارمنی قاراباغ تأیید نمودند که شاهد حرکات نیروهای ایرانی در جمهوری آذربایجان شمالی بوده‌اند.

در این میان، ترکیه نیز دست به تقویت نیروهای خود در مرز با ارمنستان زد. در سفری که تن سوچیلر به مسکو داشت، قرار شد یک خط تلفنی قرمز میان مسکو و آنکارا کشیده شود تا از بروز حوادث پیش‌بینی ناپذیر جلوگیری به عمل آید.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با اعزام نماینده‌ای به ایروان به ارمنستان هشدار داد که، هیچگونه تغییراتی در مرزهای شناخته شده بین‌المللی در قفقاز را نخواهد پذیرفت، و ادامه استقرار نیروهای ارمنستان در آذربایجان را تحمل نمی‌نماید.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، که روز یکشنبه ۹ سپتامبر در مطبوعات ایران به چاپ رسید، این هشدارها توسط بهرام قاسمی، رئیس اداره

آسیای مرکزی وزارت خارجه، روز جمعه ۱۷ سپتامبر در دیدار با واهان پاپازیان، وزیر خارجه ارمنستان، به وی ابلاغ گردید.

جمهوری اسلامی ایران همچنین خواستار حل سریع مناقشه میان ارمنستان و آذربایجان شمالی شد، و بار دیگر تکرار نمود که بدین منظور نیروهای ارضی از آذربایجان خارج گردند تا امکان مذاکرات جدی برای پایان دادن به وضعی که استقلال هر دو کشور را به خطر افکنده است، فراهم گردد.

واهان پاپازیان، که والدینش متولد ایران هستند، و خود نیز به زبان فارسی مسلط است، اظهار داشت که، نگرانی ایران را درک می نماید، و افزود: "ارمنستان از نیروهای ارضی در جنوب آذربایجان خواسته است در نزدیکی مرز ایران دست به عملیات نزنند."

از جانب دیگر علی محمد بشارتی، وزیر کشور جدید جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با شیخ سعید شعبان، رهبر جنبش توحید اسلامی لبنان، به مسأله آذربایجان شمالی پرداخت، و با محکوم ساختن "تجاوزات مکرر نیروهای ارضی" به خاک آذربایجان شمالی گفت: "اگر مرزهای بین المللی ثابت نداشته باشند، ناامنی و جنگ همه جا را فرا خواهد گرفت." بشارتی افزود: "متجاوزان ارضی امروز قصد اشغال سرزمین جمهوری آذربایجان و نابودی مسلمانان را دارند."

از سوی دیگر، ۱۹ سپتامبر معاون پارلمان آذربایجان شمالی، عافیت دین - جلیلوف، با آرکادی غوکاسیا، وزیر خارجه قاراباغ، در حضور ولادیمیر کازیمیروف، نماینده ویژه رئیس جمهوری روسیه، در مسکو ملاقات نمود. آذربایجان شمالی در گذشته حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره با نمایندگان ارامنه قاراباغ نبود.

به گفته کازیمیروف، این دیدار با پارلمانی گروه مینسک از "کنفرانس همکاری و امنیت در اروپا" میسر گردید. این گروه به مدت ۳ روز در مسکو مذاکراتی غیر رسمی با نمایندگان ارامنه قاراباغ، آذربایجان شمالی و جمهوری ارمنستان انجام داده بود. نتیجه دیگر این مذاکرات تعدید آتش بوسی بود که در ۳۱ اوت به طور یکجانبه توسط قاراباغ اعلام گشته بود. در این حال، به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، از روز ۱۸ سپتامبر در حدود ۲ هزار چادر در ناحیه ایملیشلی، واقع در آذربایجان شمالی، برای پذیرش پناهندگان آذری برپا گشت. همچنین به گفته نماینده "هلال احمر" جمهوری اسلامی ایران، حکومت ایران از روز ۱۷ سپتامبر مقادیری آذوقه با کامیون از طریق بیله سوار به ناحیه مرزی دو کشور فرستاد، و قرار شد ۲۶ تن نان اهدایی مردم ایران بین آوارگان آذری توزیع گردد.

سیف الله وحید دستجردی، رئیس "هلال احمر" جمهوری اسلامی ایران، به تا زگی اعلام نموده بود که، تهران در نظر دارد ۵۰ هزار چادر برای پذیرایی از ۲۰۰ هزار پناهنده آذری در خاک آذربایجان شمالی برپا سازد. مهتد س عبد العلی زاده استاند آذربایجان شرقی، نیز روز ۱۹ سپتامبر اظهار داشت که، جمهوری اسلامی با توافق آذربایجان شمالی یک اردوگاه صد هزار نفری در سه کیلومتری مرز بیله سوار

در ناحیه ایمشلی، واقع در خاک آذربایجان شمالی، ایجاد خواهد نمود. از سوی دیگر، نهادندان، سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو، در یک کنفرانس خبری گفت که، ایران در ادامه کمک های خود به مردم مسلمان آذربایجان، اسکان صد هزار نفر از آوارگان جنگی را در خاک آذربایجان بر عهده گرفته است. وی هم چنین گفت که، روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با آذربایجان گسترش خواهد یافت، و جمهوری اسلامی سه کارخانه سیمان و چند کارخانه دیگر در آذربایجان احداث خواهد نمود، و بدین منظور اعتبار لازم را به میزان ۵۰ میلیون دلار در اختیار این کشور قرار می دهد.

جمهوری اسلامی ایران در حالی وعده چنین کمک هایی را داد که به گزارش منابع موثق یک چک ۵۰ هزار دلار بانک مرکزی ایران در آلمان برگشت خورده بود! از سوی دیگر، دولت روسیه روز جمعه ۱۷ سپتامبر به جمهوری اسلامی ایران هشدار داد که، از قدرت نمایی در مرز آذربایجان دست بردارد، و اعلام نمود که، ورود نیروهای جمهوری اسلامی به خاک آذربایجان ممکنست ابعاد مناقشه را به کشورهای دیگر به کشاند.

گریگوری کاراسین، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، با اعلام این مطالب در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو افزود: "عبور نیروهای جمهوری اسلامی از مرز آذربایجان واقعیت دارد، و نه تنها باعث شدت گرفتن نبردها می گردد، بلکه مناقشات را به مرزهای خطرناک بین المللی نزدیک می سازد." وی از تهران خواست خویشتن داری نشان دهد، و برای مذاکره به منظور حل مناقشه گشاده رو باشد. اواخر سپتامبر چند گلوله از سوی نیروهای ترک به پست های مرزی روسی شلیک گشت، که مقامات دو کشور آن را "سهوی" خواندند.

در ملاقات تن سوچیلر با بوریس یلتسین، سوچیلر موفق به جلب موافقت یلتسین برای تشکیل نیروهای مشترک صلح ترکیه - روسیه نگردید. مسکو و آنکارا خواهان عقب نشینی فوری نیروهای ارمنی از آذربایجان شمالی و حل مسالمت آمیز مناقشه بودند.

روز ۲۳ اکتبر جنگ بین نیروهای آذری شمالی و ارمنی در نزدیکی مرز آذر-بایجان جنوبی شدت یافت.

روز مذکور می شد صدای انفجار خمپاره در شهرهای کوباتلی، زنگلان و گورا-دزه را در آذربایجان جنوبی شنید.

۲۴ اکتبر رئیس "هلال احمر" جمهوری اسلامی ایران گفت که، در حدود ۲۸/۰۰۰ فراری آذری به یک اردوگاه پناهندگی، که ایران به درخواست باکو برپا ساخته است، پناه آورد هاند.

اواخر اکتبر با حملات تازه استقلال طلبان قاراباغ ناحیه ای به طول بیش از ۴۰ کیلومتر در مرز آذربایجان شمالی و جنوبی به دست ارمنه قاراباغ افتاد، و ده ها هزار آواره دیگر در جاده ها سرگردان گشتند. بیشتر این آوارگان که راه ارتباطی آنان

با غرب آذربایجان شمالی و باکو قطع شده بود، به سوی مرز آذربایجان جنوبی به راه افتادند.

بر اساس گزارش‌هایی که روز ۱ نوامبر منتشر گردید، بیش از ۷۰ هزار پنا-هجوی آذری شمالی وارد خاک آذربایجان جنوبی شدند. به گفته فرماندار پارس-آباد، ناحیه مرزی آذربایجان جنوبی - شمالی، ۵۰ هزار تن از این پناهندگان دوباره به آن قسمت از خاک آذربایجان شمالی که در اشغال نیروهای قاراباغ نیست، منتقل - گردیدند، و در اردوگاه‌هایی که به درخواست باکو توسط ایران در داخل خاک آذر-بایجان شمالی برپا شده، اسکان یافتند. به گفته یکی از نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگی، وضع ۲۰ هزار پناهنده باقی‌مانده در ایران روی هم رفته خوب بود، ولی به سبب بارش برف و باران ممکن بود وضع آنان وخیم تر گردد. ده‌ها پناهندهجوی آذری شمالی نیز که با ورود به آذربایجان جنوبی قصد داشتند با شنا از رود آراز به گذرند، در آب‌های این رود مرزی غرق گشتند.

در این میان، کارن بابوریان، رئیس پارلمان قاراباغ علیا، در اوایل نوامبر اعلام نمود که، چنانچه باکو جمهوری قاراباغ را به رسمیت شناسد، نیروهای قاراباغ نواحی اشغالی را پس خواهند داد. اما لئون تر-پتروسیان، رئیس جمهوری ارمنستان، لحنی ملایم تر اتخاذ نمود، و در گذر از پاریس بر لزوم اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ تأکید ورزید.

از سوی دیگر، هاشمی رفسنجانی به دنبال بازگشت از آذربایجان شمالی به ایران، خواستار تشکیل اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد و اعزام سرپازان کلاه آبی سازمان ملل به منطقه برای استقرار آتش‌بس گردید. به هنگام اقامت رفسنجانی در باکو، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران گزارش داد که، به درخواست مقامات آذری وی تلاش‌هایی برای میانجیگری بین آذربایجان و ار-منستان به عمل آورده است. رفسنجانی در باکو طی سخنان شدیدالحنی نسبت به ارمنستان گفت "ارمنه از تجاوز و اقدامات غیر اصولی خود پشیمان خواهند شد، و مسلمانان منطقه اجازه نخواهند داد دوباره جنگی چند ساله در این منطقه درگیرد." رفسنجانی روز چهارشنبه ۲۷ اکتبر در پی رشته سفرهای ۱۱ روزه خود به کشور-های آسیای مرکزی، وارد باکو گردیده بود.

تا اوایل ماه نوامبر ارمنه سه چهارم اراضی آذربایجان شمالی در مرز آذربایجان جنوبی را به تصرف خویش در آورده بودند. اوایل نوامبر جمهوری اسلامی ایران از جامعه جهانی برای کمک به ده‌ها هزار آواره آذری شمالی، که با فرا رسیدن فصل سرما وضع آنان دشوارتر شده بود، در -خواست یاری نمود.

احمد حسینی، مدیرکل پناهندگی در وزارت کشور جمهوری اسلامی، گفت، بیش از هر چیز به چادر، پتو، لباس گرم، دارو و وسایل پزشکی نیازست. در ماه نوامبر در اردوگاه‌هایی که به درخواست حکومت آذربایجان شمالی توسط

جمهوری اسلامی ایران در ناحیه ایمنی برپا شد ، ۳۰ هزار آواره آذری شمالی ، که به دنبال پیشروی نیروهای ارمنی خانه و کاشانه خود را رها ساخته بودند ، بسر می بردند ، و هزاران آواره دیگر از ناحیه زنگلان به سوی نواحی مرزی آذربایجان جنوبی روان بودند . در دو هفته نخست نوامبر ۶۰ تا ۷۰ هزار آواره آذری شمالی با عبور از رود آراز وارد ناحیه مرزی خدا آفرین در آذربایجان جنوبی گشتند ، و سپس از شهر مرزی پارس آباد به ایمنی در آذربایجان شمالی ، که تحت تسلط نیروهای ارمنی نبود ، انتقال یافتند . این ارقام توسط کمیساریای عالی سازمان ملل متحد نیز تأیید گردید .

سامول بابایان ، از رهبران نیروهای نظامی ارمنی در ناحیه داغلق قاراباغ ، روز ۲۴ نوامبر به طور غافلگیرانه گفت که ، رهبران نظامی ناحیه ناگورنو قاراباخ حاضر به تحویل نواحی اشغالی در آذربایجان غربی به دولت باکو ، مشروط به رسمیت شناخته شدن استقلال ناحیه ، هستند .

بابایان گفت : " نواحی اشغالی هرگز بی دلیل تحویل نخواهند شد . در صورتی که دولت باکو حاضر به رسمیت شناختن استقلال ناگورنو قاراباخ باشد ، وضعیت چیز دیگری خواهد بود . "

در بیانیه مشترک پاکستان و جمهوری اسلامی ایران ، منتشره در روز چهارشنبه ۸ دسامبر ، ضمن دیدار بی نظیر بوتو ، نخست وزیر پاکستان ، از ایران ، همچنین از تجاوز نیروهای ارمنی به خاک آذربایجان شمالی ابراز تأسف شده ، و طرف خواستار خروج نیروهای ارمنی از خاک آذربایجان شمالی گردیدند ، و از جوامع بین المللی خواستند برای اسکان پناهندگان آذری شمالی در ایـــــــــــــــران و در داخل آذربایجان شمالی مساعدت و همکاری نمایند .

۹ ژانویه ۱۹۹۴ هم آذری ها و هم ارامنه گزارش حملاتی تازه از سوی دو طرف و نبرد هایی شدید را منتشر ساختند .

وزارت دفاع داغلق قاراباغ گفت که ، نیروهای آذری تحت حمایت هواپیما و خود - روهای زرهی روز مذکور حمله ای جدید به نقاط شمالی و شمال شرقی ناگورنو قاراباخ ، در نزدیکی شهر استراتژیک مهم مارداکرت به عمل آورد هاند .

همزمان ، وزارت دفاع آذربایجان شمالی حملات تازه ارامنه در نزدیکی اقدم ، در ۲۴ کیلومتری جنوب مارداکرت ، را گزارش داد .

بعد جنگ آذری ها - ارامنه در طول ژانویه چنان بود ، که طی رونـــــــــــــــــــــــد جنگ بی سابقه بود . نبردها هیچگاه تا بدین حد خونین و طولانی نبود . ظرف ۴ هفته بیش از ۸ هزار کشته و زخمی شدند . هیچوقت هم سکوتی بدین سنگینی بر این جنگ سایه نیفکند ه بود .

ضد حمله آذربایجان برای آزاد سازی مناطقی که ارامنه به مرور طی سال ۱۹۹۳ تصرف نمود ه بودند ، در ۱۹ دسامبر ۹۳ آغاز گشت ، و برای نخستین بار نه تنها با عقب نشینی فوری آذری های شمالی توأم نبود ، بلکه چند کیلومتر از جاده های نزدیک مرز

آذربایجان جنوبی، تا تقاطع خطوط آهن در گوراد ژه بازپس گرفته شد. در این نبرد ها آرامنه قاراباغ تا ۱۰ فوریه دست کم ۷۰۰ کشته دادند، که برای نیروهای حد اکثر ۱۰ هزار نفری قاراباغ به سختی قابل تحمل بود، و آن ها را وادار به فرار خواندن و او طلبان نمود. تلفات نیروهای آذری شمالی به هزار تن می رسید، اما آذربایجان شمالی ۵/۵ میلیون نفر جمعیت دارد، و قاراباغ حدود یک صد هزار نفر. (جمعیت جمهوری ارمنستان ۳/۵ میلیون نفر است.)

در این میان، سکوت کشورهای اروپایی دست روسیه را، که تأمین کننده اصلی اسلحه برای هر دو طرف می باشد، جهت دخالت در منطقه بازگذاشته بود. روسیه که در ارمنستان و گرجستان دارای پایگاه های نظامی بود، در آذربایجان شمالی نیز همین هدف را دنبال می نمود، و مایل بود حفاظت مرزهای آذربایجان شمالی و نخجوان با آذربایجان جنوبی و ترکیه را توسط نیروهای خود کنترل نماید.

حیدرعلیف، رئیس جمهوری آذربایجان شمالی، هر چند آذربایجان را وارد "جامعه دول مستقل" نموده، که گرد روسیه جمع شده اند، و ورود نیروهای روسی به آذربایجان شمالی برای جداسازی نیروهای آذری شمالی - ارمنی را به طور اصولی پذیرفته بود، ولی هنوز با واگذاری پایگاه به روس ها موافقت نمی نمود. مذاکرات میان آذربایجان شمالی، قاراباغ و جمهوری ارمنستان، تحت سرپرستی روسیه، بر سر همین موضوع به بن بست رسید.

حیدرعلیف که پس از فرار ایلچی بیگ، رئیس جمهوری پیشین آذربایجان شمالی، قدرت را به دست گرفت، توانست نظم و ترتیبی در آذربایجان برقرار نماید، و سر و صورتی به وضع نیروهای در هم ریخته این کشور به دهد. وی برای نبرد قاراباغ از هر کمکی استفاده نمود؛ چه کمک معشاران ترکیه و روسیه، چه استخدام مزدور از جمهوری های شوروی سابق و حتی استخدام جنگجویان افغانی. به گفته منابع اطلاعاتی روسیه، در حدود ۱/۵۰۰ تن افغانی در کنار نیروهای آذری با آرامنه قاراباغ می جنگیدند، و حتی گفته می شد که افغان ها با عبور از خاک آذربایجان جنوبی، نیروهای ارمنی را در ورزده بودند، و در ناحیه گوراد ژه از پشت به آنها حمله می بردند. در این میان، باکو و پروان، هر دو، معتقد بودند که روسیه برای افزایش نفوذ خود در منطقه، به بی ثباتی اوضاع کمک می کند.

تحت فشار روسیه علیف ناچار گشت امضای قرارداد با کمپانی های نفتی غربی را برای استخراج نفت باکو معلق نماید، و ۰/۲۰ از نفت آذربایجان شمالی را به یک شرکت روسی به دهد، و ممکن می نمود که حتی با کشیدن شاه لوله نفت از طریق خاک روسیه برای صدور نفت آذربایجان شمالی موافقت کند.

در این حال، ولادیمیر ژیرینوفسکی، سیاستمدار ناسیونالیست افراطی و رهبر حزب راستگرای تند رو روسیه، گفت: "روسیه باید چندان اسلحه به همسایگان جنوبی خود به فروشد، تا آن ها با کشتن یکدیگر به چنان وضعی بیفتند، که به زانو به سوی

مسکو بازگردند .

محمود واعظی ، معاون وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران ، در پی دیدار خود در تهران با لیبیارتیان ، معاون وزارت خارجهٔ جمهوری ارمنستان ، اعلام کرد که ، به منظور تشکیل اجلاس چهارجانبه‌ای میان جمهوری اسلامی ، روسیه ، ارمنستان و آذربایجان برای حل و فصل مسألهٔ قره باغ ، مذاکراتی میان جمهوری اسلامی و روسیه انجام گرفته است .

واعظی افزود در دیدار با لیبیارتیان به وی تأکید کرده است که ، جمهوری اسلا- می هیچگونه تغییر مرز در منطقه را تحمل نمی‌کند ، و ارامنه باید از تمام مناطق اشغالی آذربایجان خارج شوند . وی همچنین گفت که ، حل و فصل اختلافات ارامنه و آذربایجان جز بر سر میز مذاکره ممکن نیست .

موضوع اختلافات ارامنه و جمهوری آذربایجان شمالی در دیدار واعظی با آدا- می چین ، معاون وزارت خارجهٔ روسیه نیز مورد بررسی قرار گرفت .

۱۳ مارس خبرگزاری روسیه نوشت که ، مذاکره کنندگان از ارمنستان و آذربایجان در مورد یک قرارداد اصولی برای پایان بخشیدن به جنگ در ناحیهٔ ناگورنی کاراباخ به توافق رسیده‌اند . رؤسای پارلمان دو کشور در روستایی در مرز به مدت یک ساعت و نیم با یکدیگر دیدار نمودند ، و در پایان ملاقات متبسمانه دست هم را در برابر دور- بین تلویزیون فشردند .

۱۳ آوریل درگیری‌های شدید تازه‌ای بین نیروهای آذری شمالی و ارمنی پیرامون ناحیهٔ داغلق قاراباغ جریان داشت . رییس جمهوری آذربایجان شمالی ضمن یک نطق تلویزیونی حزن انگیز در شب ۱۲ آوریل مردم را به " کنارگذاشتن کلیه اختلافات داخلی " و اتحاد برای مبارزه علیه دشمن مشترک فراخواند .

همزمان با درگیری‌ها ، بمبی در یک قطار مسافربری آذری شمالی در راه بین باکو و مسکو منفجرگشت . انفجار - که سومین انفجار در قطارهای آذری شمالی در سال جاریست - در جنوب روسیه رخ داده ، به بهای جان پنج تن تمام شد . مقامات خان‌کندی آذربایجان شمالی را مقصر آغاز درگیری‌های تازه با یک سری حملات هوایی ، که منجر به قتل و مجروح شدن تعداد فراوانی افراد غیرنظامی در ناحیهٔ داغلق قاراباغ گشته است ، قلمداد نمودند .

به گفتهٔ ناظرین محلی در ۲۶ آوریل به خبرگزاری فرانسوی " آ. اف. پی " ، ۱ ، کنترل ارمنستان بر ناحیهٔ داغلق قاراباغ در نتیجهٔ جنگ شدید با نیروهای آذری شمالی تضعیف گشت .

آذری‌های شمالی دیسپلین بیشتری یافتند ، و در هفته‌های اخیر چند پیروزی مهم در نقاطی در طول جبهه به دست آوردند . همزمان ، ارامنه با مشکلات فزایندهٔ

دستیابی به تجهیزات از طریق يك دالان باریک از ارمنستان به داغلق قاراباغ روبروگشتند. ضمناً، حملات هوایی تازهٔ آذربایجان شمالی به مرکز ناحیه، خان کندی، اخلاق رزمی ارامنه را ضعیف ساخت.

۹ مه آذربایجان شمالی از امضای يك قرارداد آتش بس جدید برای ناحیهٔ داغلق قاراباغ امتناع ورزید. دلیل این امتناع به قول دولت آذربایجان شمالی این بود، که قرارداد به نیروهای ارمنی اجازهٔ باقی ماندن در خاک جمهوری را می‌داد.

قرارداد مذکور می‌بایست از ۹ مه به اجراء آید.

۱۸ مه ناحیهٔ داغلق قاراباغ دیگر بار میدان شلیک خمپاره و بمباران گشت، و قرارداد آتش بس تازه‌ای که بین ارمنستان، آذربایجان شمالی و داغلق قاراباغ با مساعدت روسیه در ۱۶ مه مورد مذاکره قرار گرفته، به امضا رسیده بود، نقض گشت. طبق قرارداد می‌بایست کلیهٔ مخاصمات از نیمه شب ۱۷ مه متوقف شود، اما بی

آنکه مذاکره کنندگان توانسته باشند در مورد شرایط عقب کشیدن نیروها با یکدیگر به توافق به رسند. نیروهای ارمنی متعلق به داغلق قاراباغ تا ۱۸ مه رو-ستاهای آذری شمالی فراوانی را به تصرف خویش درآورد. نبود نیروهای ارمنستان نیز تا به این تاریخ ۰.۲۰٪ از خاک آذربایجان شمالی را تحت اشغالشان داشتند. آذربایجان شمالی صلح را منوط به تخلیهٔ خاک جمهوری از کلیهٔ نیروهای دشمن نموده بود.

از عواقب تأسفبار، اما طبیعی جنگ ارامنه - آذری‌های شمالی، غارت شهرهای تصرف شده به دست ارامنه بود.

شهر اقدم به طور کامل چپاول گشته، به يك منبع تحصیل اموال بدل شده - بود. یکی از افراد متعلق به نیروهای نظامی داغلق قاراباغ این نکته را به طور شوخی آمیز در گفت و گوئی با يك روزنامه نگار فرانسوی، فرستادهٔ "لیبراسیون" ۱) به ناحیهٔ داغلق قاراباغ در ماه مه چنین بیان نمود: "اقدم سوپرمارکت بزرگ ما شده است!"

کامیون‌ها لاینقطع مصالح ساختمانی ابنیهٔ ویران شده را از شهر اقدم به ناحیهٔ مذکور منتقل می‌ساختند. عضوی از "بریگاد سازندگی ناگورنی قاراباغ"، ایجاد گشته توسط ارامنهٔ ناحیه، به همان روزنامه نگار گفت: "ما همه چیز ترک‌ها را می‌بریم."

پس از هر پیروزی تازهٔ ارامنه ستون‌های طولانی کامیون اموال غارت شده از شهرهای آذربایجان شمالی را به خان کندی و ایروان منتقل می‌ساختند. آرکادی گوکاسیان، وزیر خارجهٔ داغلق قاراباغ در تأیید صحت این موضوع به روزنامه نگار

فرانسوی مزبور تأیید نمود : " این یکی از جنبه های تأسفانگیز جنگ است. "

توفان آراز

بحران
آذربایجان
شمالی،
۹۵-۱۹۹۱

۳- هنایش سیاسی بحران

بحران به سختی زندگی سیاسی آذربایجان شمالی را دستخوش تکان و آشفتگی ساخت.

بحران امر قطع قیود جمهوری دوم با نظام تحمیلی سابق و گذار از سیستم سر-مایه داری انحصاری دولتی (و نه کمونیستی) حاکم به سیستم اقتصاد بازار و دموکراتیز-اسیون جامعه را با اشکالاتی جدی روبرو نمود.

بحران موجب تشدید تضادهای بین اپوزیسیون دموکراتیک، "جبهه خلق آذر-بایجان" و ایاز مطلب اوف و دولت او گشت.

می دانیم که جبهه مخالف با انتخاب مجدد مطلب اوف به ریاست جمهوری آذر-بایجان شمالی در ۸ سپتامبر ۱۹۹۱ بود.

مشی سیاسی و تزلزل اخلاقی مطلب اوف به هیچ وجه به او صلاحیت رهبری

جمهوری دوم در یکی از ادوار بحرانی و حساسش را نمی داد. مطلب اوف یک

استالینیست سابق و هوادار استقرار مجدد سیستم قدیم بود، و حتی با صدور اعلامیه

میهی در ۲۰ اوت ۱۹۹۱ پشتیبانی خود از کودتاچیان شوروی سابق را ابراز داشته

بود. تغییر یک صد و هشتاد درجه ای مطلب اوف از یک استالینیست به یک ناسیو-

نالیست (!) ، که زیرگانه با اسلام گرایی در آمیخته بود، تنها به مقتضای شرایط بحران-نی صورت پذیرد.

پیروزی مطلب اوف در انتخابات آزاد ریاست جمهوری معلول د و فاکتور بود: یکی-

وضعیت بحرانی جمهوری، بلا تکلیفی مردم و نامعلومی چشم انداز تحولات؛ د و دیگر-

ضعف چند جانبه، من جمله تشکیلاتی، اپوزیسیون دموکراتیک.

وانگهی، انتخابات نیز به هیچ روی عادی و دموکراتیک نبود. جبهه خلق تقلب

در آرا و انحصار جویسی های گوناگون به نفع مطلب اوف را افشا ساخت. در همان روز

انتخابات ۵۰/۰۰۰ مخالف مطلب اوف با اجتماع در میدان "آزادی" با کو برکناری

وی دولتش - که ۳۳۵ از ۳۶۰ نماینده پارلمان آن طرفداران سیستم پیشین و پشتیبانان مطلب اوف بودند - و راه یافتن به رسانه های جمعی را مطالبه نمودند .
از جوانب دیگر انتقاد از مطلب اوف عدم موضع قاطعانه اش در قبال منازعه با ارامنه ، که قتل شمار روزافزون آذری های شمالی را به دنبال داشت ، بود . در ضمن ، مطلب اوف به خاطر سابقه سیاسییش به همدستی با مسکو متهم گشت .

جبهه خلق - که از اوایل ماه فوریه ۱۹۹۲ قاطعانه خواستار برکناری مطلب اوف شده بود - به او تا ۲۸ فوریه مهلت داد . جبهه بخشاً به سازماندهی تظاهرات برضد مطلب اوف و دولتش پرداخته ، بخشاً مطالبه فراخوانی کابینه دوم پارلمان ، کمیته ملی ، را به پیش کشید .

مطلب اوف بی نتیجه به برقراری ممنوعیت تردد شبانه در باکو تهدید نمود . تلویزیون تحت کنترل او و دولتش نیز از پخش آگهی ها و تصمیمات جبهه سر باز زد .
۵ مارس ۹۲ پارلمان آذربایجان شمالی یک گرد هم آیی فوق العاده تشکیل داد . مطلب اوف در نطق افتتاحییش بیهوده در صد در مقابل با انتقادات اپوزیسیون از خویش برآمد . او در مورد ضرورت برقراری یک گارد ملی مسلح به سلاح های سنگین و کنترل مؤثرتر مرزها سخن گفته ، تأکید ورزید که " آن شهرهایی از ما که به دست باند های راهزن اشغال شده اند ، باید آزاد شوند . "

در جریان تظاهرات برضد مطلب اوف و دولتش ، نمایندگان پارلمان در واقع در داخل ساختمان آن زندانی شده بودند . متظاهران سیاست دولت در رابطه با جنگ علیه ارامنه در ناحیه داغلیق قاراباغ را " ضعیف و معامله گرانه " نامیده ، بدان حمله نمودند .

۶ مارس خبر کناره گیری مطلب اوف از پستش به ده ها هزار متظاهر مجتمع در بیرون پارلمان ابلاغ گردید ، که آنها را غرق در شادی و هیجان ساخت .
پیش از مطلب اوف ، المیرا کافارووا ، صدر هیأت رئیسه ، و یعقوب احمد اوف ، معاون مطلب اوف ، از سمت هایشان استعفا داده بودند .

۱۰ مارس جلسه بحث حول یک دولت جدید در آذربایجان شمالی از سوی پارلمان به تعویق افتاد . این امر با عطف توجه دهی به جنگ علیه ارامنه در ناحیه داغلیق قاراباغ توجیه گشت .

به قول رافائل حسین اوف ، سخنگوی وقت هیأت آذربایجان شمالی در مسکو ، پارلمان تصمیم تعویق جلسه تا " فروکشی بحران " را اتخاذ نمود . حسین اوف افزود که ، هنوز تاریخ جدیدی برای گرد هم آیی پارلمان تعیین نگشته است . و یک سخنگوی رئیس جمهوری موقت ، یعقوب مامد اوف ، بر این بود که ، چنین جلسه ای تا پیش از ۱۲ مارس تشکیل نخواهد گردید .

" جبهه خلق آذربایجان " ، مسبب اصلی کناره گیری مطلب اوف ، خواستار انتقال کلیه اختیارات پارلمان به کمیته ملی شامل ۵ عضو ، برقرار شده در سه ماه قبل از آغاز بحران ، بود .

از بین ۳۶۰ نماینده پارلمان تنها تعداد ایشان متعلق به جبهه بودند، در عوض نیمی از اعضای کمیته ملی از جبهه چی‌ها عبارت می‌گشت.

پارلمان به دنبال کناره‌گیری مطلب‌اوف، به نخست‌وزیر حسن اوف ۱۰ روز برای تشکیل یک دولت جدید وقت داد. وی در تلاش جهت جلب جبهه قول داد که با جبهه ائتلاف خواهد نمود، ولیکن رهبری جبهه پس از جلسه‌ای شرایط تازه، سختی به پیش‌کشید.

علی‌عسگر شیابلی از جبهه به "آسوشیتد پرس" گفت: "ما تنها در حالی حاضر به شرکت در دولتیم که پست ریاست جمهوری از میان برداشته شود، و پارلمان اختیاراتش را به کمیته ملی منتقل کند." او، اما، درخواست اطلاعاتی در این باره به دست دهد که جبهه مایل به اشغال کدام پست‌های وزارت در یک دولت جدید است؟ به قول یک جبهه چی رهبری کننده دیگر، جبهه مصر اشغال پست‌های وزارت چون دفاع، کشور و امنیت بود؛ اخیرالذکر شامل کنترل "ک. جی. بی." سابق می‌باشد. او گفت: "به گذار کمونیست‌ها هر قدر که می‌خواهند با اقتصاد ور به روند." به گزارش "ایتار-تاس"، مامد اوف روز ۹ مارس گفت که "کناره‌گیری مطلب‌اوف به شکل متقاعدکننده‌ای نشان می‌دهد که اصول دموکراسی (۰۰۰) می‌رود تا در آن‌روز-بایجان تثبیت شود."

"جبهه خلق آزربایجان"، در ضمن، خواستار عملیات نظامی گسترده‌ای بر علیه ارامنه در ناحیه داغلق قاراباغ بود.

تنش اختلافات قومی ارامنه-آذری‌های شمالی در ناحیه داغلق قاراباغ مواضع سیاسی جناح‌ها و نیروهای سیاسی مختلف در آزربایجان شمالی را دستخوش تغییر ساخت. در حقیقت پشتیبانی یا عدم پشتیبانی مردم از این جناح‌ها و نیروها در وهله نخست در گرو نحوه موضعگیری آنها در قبال وقایع قاراباغ بود.

یعقوب مامد اوف در سال ۱۹۹۲ در برابر پارلمان جمهوری گفت: "ما باید همه کوشش خود را در راه ایجاد یک رژیم نظامی به کار ببریم." وی به وجود آوردن یک نیروی ۲۰۰/۰۰۰ نفره برای دخالت در تغییر وضعیت نظامی قاراباغ علیا را پیشنهاد نمود.

قابل یادآوریست که امروز در آزربایجان شمالی بیش از صفت حزب و سازمان سیاسی وجود دارد. جناح دموکراتیک که در باکو به "دمبلوک" (بلوک دموکراتیک) موسوم است، قادر به متشکل ساختن کلیه نیروهای وابسته به خویش گردیده است.

از آغاز بحران "میلی شورا" (شورای ملی) ایجاد گشته است، که در برگیرنده نیمی از کمونیست‌های پیشین و نیمی از نمایندگان "دمبلوک" می‌باشد.

و تا جایی که به "جبهه خلق آزربایجان" مربوط می‌گردد، آن اتحادیه‌ای از احزاب مختلف، هر کدام با رهبران خویش، است. علی‌رغم کوشش‌های سالیانی مسکو و باکو برای بی‌اعتبار ساختن جبهه، آن با در اختیار داشتن یک مرکز اطلاعات، یک روز-نامه و یک فرماندهی نظامی برای ناحیه داغلق قاراباغ از قدرت قابل توجهی بر-خوردار بود.

" حزب مساوات " ۱ مروج باززایی فرهنگ مسلمان ، ولیکن مخالف با ایجاد حکومت اسلامی نوع ایران نیز فعال است . " مساوات " ، که نفوذش در گنجه بیش از هر جای دیگرست ، انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۰ را تحریم نمود . رهبر حزب نیاز ابراهیم اوف ، که سابقاً عهده دار ریاست بخش اطلاعات جبهه خلق بود ، به سمت معاونت جبهه انتخاب گشت .

از نیروهای سیاسی فعال دیگر سوسیال دموکرات ها می باشند ، که گرفتار دو - دستگی گشته اند . در رأس این نیرو " حزب استقلال دموکراتیک " است ، که توسط لیلا یونوسوفا ایجاد گشته . یونوسوفا ، یک شخصیت معتدل و میانه رو ، همچنین مورخ ، در سال ۹۲ حاضر به عضویت در هیأت دولت بود . لیلا یونوسوفا نیز چون دیگر احزاب و گروه های سیاسی دولت را مسؤول اصلی فاجعه داغلق قاراباغ می داند . به قول او ، روس ها آن رایجانی متزلزل و دستخوش ضعف می خواهند ، تا از ایجاد یک ارتش مستقل آذری که وظایف ارتش چهارم " جامعه دول مستقل " ، مستقر در مرزهای آن رایجان شمالی و ایران ، را عهده دار گردد ، جلوگیری نمایند . در زمره گروه های سیاسی نباید نام " سبزها " و " گرگ های خاکستری " را از قلم انداخت .

انتخاب ابوالفضل ایلچی بیگ ، رهبر " جبهه خلق آن رایجان " ، به ریاست جمهوری آن رایجان شمالی در سال ۱۹۹۲ دارای ۵ نتیجه بود :

- ۱- تقویت ایدئولوژی " پان ترکیسم " و سعی در استحکام موقعیت آن ، که در سال های اخیر بر اثر جنگ علیه ارامنه می رفت تا مغلوب ناسیونالیسم گردد .
- ۲- نزدیکی هر چه بیشتر آن رایجان شمالی به ترکیه و پذیرش سیاست آن دولت در امور بین المللی و آسیای غربی و مرکزی . ایلچی بیگ در طول فعالیت های انتخاباتی خود راه آینده آن رایجان شمالی به سوی تجدید و دموکراسی را با راه ترکیه همسو اعلام نمود . همو کسی بود که در جریان تغییر خط آن رایجان شمالی شدیدا در برابر اسلاميون و طرفداران خط عربی - فارسی مقاومت نشان داد ، و از خط لاتین ترکیه طرفداری نمود . البته پیروزی از آن خط لاتین بود . در واقع این نخستین شکست جمهوری اسلامی در زور آزمایی با ترکیه به شمار می رفت .

۳- فاصله گیری از ایران . ایلچی بیگ بارها و بارها از حکومت جمهوری اسلامی ایران انتقاد نموده بود . وی در جریان مبارزات انتخاباتی از جمله گفت : " من به عنوان یک دانشگاهی که در تاریخ مطالعات طولانی دارد صحبت می کنم . در قرن بیستم دولت ایران به آن رایجانی ها اجازه نداده است که برای تدوین زبان مادری مدرسه های تأسیس کنند ، و این با تمام موازین بشری منافات دارد . " و یا در رابطه با حکومت اسلامی با تأیید جدایی دین از دولت ، گفت : " دین قادر نیست برای مدتی

۱- درباره پیشینه تاریخی این حزب می توانید رک : " آن رایجان شمالی پس از فتح روس " .

طولانی به يك کشور انسجام به دهد . ظهور ملی گرایي حیات امپراتوری های مسیحی در غرب را به پایان رساند . هم آن در نهایت عاقبت مشابهی برای امپراتوری های اسلامی شرقی به بار خواهد آورد ."

۴- غرب گرایي و نزدیکی به ایالات متحده آمریکا . ایلچی بیگ بر این اعتقاد بود که سیاست نزدیکی به دوستی با غرب و ایالات متحده برای آذربایجان شمالی امری حیاتیست .

۵- فاصله گیری از روسیه ، و مخالفت سرسختانه با و جلوگیری از عضویت آذر-

بایجان شمالی در " جامعه دول مستقل " .

مسأله قاراباغ چنان بر اوضاع سیاسی آذربایجان شمالی سایه افکند بود ، که آذری های شمالی دوستان و دشمنانشان را در پرتو موضعگیری آنان در برابر مسأله مذکور ارزیابی می نمودند . ترکیه بارها از حاکمیت آذربایجان شمالی بر قاراباغ علیا حمایت نموده ، و در مجامع بین المللی خود را تنها دوست آذربایجان شمالی معرفی کرده است .

در آذربایجان شمالی نیز احساسات ترکیه دوستی به اوجش رسیده بود . تصویر کمال آتاتورك در همه جا دیده می شد ، و روزنامه " زمان " ، که همزمان در آنکارا و باکو منتشر می گردید ، از پرتیراژترین روزنامه های آذربایجان شمالی می باشد . این روزنامه که چون اغلب روزنامه های ترکیه رنگی است ، رنگ و بویی غربی دارد . از این جهت ایران گرایش آذربایجان شمالی به رقیب سرسختش ترکیه را نمی بخشد . برای خنثی - ساختن فعالیت های ترکیه ، ایران در نظر گرفت روزنامه ای به نام " شهریار " و ماه - نامه " نظامی " منتشر سازد ، که می بایست به دو زبان فارسی و آذری باشد .

آنچه مسلم است اینکه ایران متوجه گردیده بود که نمی تواند با کارت اسلامی در جمهوری آذربایجان شمالی (همچنانکه در جماهیر مسلمان نشین شوروی سابق) وارد بازی شود ، زیرا دانسته بود که ترکیه ورق های بهتری در دست دارد .

واقعه ای دیگر در تابستان ۱۹۹۳ تعویق کننده بحران آذربایجان شمالی و آشفتگی وضعیت سیاسی این کشور گردید : شورش در جمهوری دوم .

يك فرمانده شورشی به نام صورت حسین اوف - که بنا به گزارشات مختلف در پیوند با مافیای روسیه قرار داشته ، و زیر پوشش تجارت پشم به قاچاق اسلحه مشغول - بوده ، و از این راه میلیون ها دلار ثروت اندوخته ، و با تشکیل نیروی نظامی شخصی و شرکت در جنگ های قاراباغ و روحیه عیاری در سراسر آذربایجان شمالی معروف گشته بود - در ۴ ژوئن ۹۳ دومین شهر بزرگ آذربایجان شمالی ، گنجه ، را اشغال نمود ، و شورش وی بر علیه دولت باکو به سرعت گسترش یافت .

حسین اوف در ضمن مطالبه کناره گیری ابوالفضل ایلچی بیگ ، وی را به فساد

و نقض حقوق بشر متهم ساخت.

۱۸ ژوئن ایلچی بیگ جهت جلوگیری از بروز شورش در پایتخت، از باکو به نخجوان گریخت، و حیدرعلیف - که متعاقباً به او باز خواهیم گشت - راهی باکو شده، موقتاً اختیارات ریاست جمهوری را عهده دار گشت.

۲۴ ژوئن پارلمان آذربایجان شمالی با ۲۳ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع تصمیم برکناری ابوالفضل ایلچی بیگ از مقام ریاست جمهوری را اتخاذ نمود. قابل یادداشت است که نیروهای شورشی حسین اوف ضمن پیشرویشان طی ماه ژوئن با مقاومتی روبرو نگشتند، و این خود مبین کاهش محبوبیت ایلچی بیگ در جمهوری دوم بود.

۳۰ ژوئن پارلمان آذربایجان شمالی با اکثریت غالب آرا حسین اوف، رهبر شور-شیان، را به عنوان نخست وزیر برگزید، و وزارت خانه های دفاع، کشور و امنیت طی را تحت کنترل مستقیم وی قرار داد.

صورت حسین اوف پس از انتخابش به سمت نخست وزیر، در پارلمان گفت که، از کلیه اختیاراتش برای برقراری صلح و آرامش در جمهوری دوم استفاده خواهد نمود. وی ایلچی بیگ متواری را مسوول بحران در آذربایجان شمالی، امری که علت پیروزی های ارامنه در قاراباغ گشت، اعلام نمود.^۱

اوضاع در هم ریخته آذربایجان شمالی چنان مردم را سردرگم و هراسان ساخت که اکثراً در جستجوی مرد قدرتمندی برآمدند تا از آشفتگی ای که آن را دموکراسی تلقی می نمودند، نجاتشان بخشد، و امنیت و آرامش را به جامعه آشوب زده بازگرداند. خبرنگار "نیویورک تایمز"^۲ از زبان حقوقدانی باکوایی نوشت: "در این کشور ما نیازمند یک دیکتاتور هستیم تا امور را سامان به دهد، زیرا اینجا دموکراسی را به این معنی می فهمند که هر چه خواهند بید رنگ انجام گیرد." و مردم این چنین مرد قدرتمندی را در حیدرعلیف یافتند.

حیدرعلیف - که پنجمین کمونیستی بود که در کشورهای مسلمان نشین شوروی سا-بق به مقام رهبری رسیدند - با سازماندهی "حزب آذربایجان نو" از چند ماه قبل از سقوط ایلچی بیگ با حمایت مخفی روسیه خود را برای بازگشت به قدرت در باکو آماده ساخته بود.

در آذربایجان شمالی تحت سلطه کمونیست ها در دهه هفتاد شهروندان "وظیفه شناس" گاه علیف را "سایه خدا" می خواندند. علیف که در "ک. جی. بی. بی." دارای درجه ژنرالی بود، در هجده سالگی به خدمت سازمان اطلاعاتی و جاسوسی

۱- برای مطالعه بیشتر شورش صورت حسین اوف می توانید رک: "آذربایجان شمالی پس از احیای استقلال" (فصل ۱۳).

شوروی سابق درآمد، و در دوره جنگ سرد سرپرستی و رهبری مأموران مخفی و جاسو-سان "ك. جی. بی." در ایران و خاورمیانه را بر عهده داشت. اما وی تنها تحت-الحمايه یوری آندروپوف رئیس "ك. جی. بی." نبود، بلکه دوست نزدیک لئونید برژنف بود، که رهبر شوروی به افتخارش در کاخ های خود ضیافتی برپا می ساخت. دوستی با برژنف باعث گردید که علیف در سال ۱۹۸۲ در مسکو به پایه بلند عضویت دفتر سیاسی حزب، این "مقدس ترین" ساختار "حزب کمونیست شوروی" رسد، و تا سال ۱۹۸۷ مقام خود را حفظ نماید. علیف آخرین عضو "شرقی" دفتر سیاسی بود.

هنگامی که دوره "پرسترویکا" فرا رسید، وی برخلاف "همتایش" شوارتس نادزه گرجی به مخالفت با اصلاحات میخائیل گورباچف برخاست، و در چشم روس ها در هیأت يك "ساتراپ" محافظه کار کمونیست ظاهر گشت. علیف "پرسترویکا" را تظاهر سیاسی "شوینیسیم در روسیه بزرگ" - یعنی ضد مسلمان - گورباچف، که مشاوران ارمنی محاصره اش کرده اند "خواند". خود او می گوید که، در اثر اختلاف نظر و درگیری با رهبران کرملین به بیماری قلبی دچار گردید، و "به دلایل مربوط به سلامتی" کنار گذاشته شد.

سه سال بعد، پس از ورود خونبار نیروهای شوروی به باکو در دژانویه ۱۹۹۰، علیف پیرمردی در هم شکسته با دست هایی لرزان بود. حزب کمونیست او را علناً محکوم ساخت. علیف حزب کمونیست را ترک نموده، به حمایت از احیای استقلال آذربایجان شمالی برخاست، و اعلام نمود که، "اگر مردم به خواهند" حاضر به خدمت است. اما چندی بعد خارج جانی که به "قلمرو" دور افتاده او، نخجوان، سفر نمودند، او را مردی سالخورده با روحیه قوی و مقتدر یافتند.

حیدر علیف در انتخابات ریاست جمهوری در آذربایجان شمالی از جبهه خلق ضد کمونیست، که قدرت را به دست گرفت، شکست خورد، اما پیروزی درخشانی در زادگاهش، نخجوان، که فقیرست، اما دارای موقعیت استراتژیک مهمی می باشد، کسب نمود، به ریاست این جا رسید.

سوفی شهاب، خبرنگار روزنامه "لوموند" در آذربایجان شمالی، می نویسد: "در ابتدای ماه مه او در ساختمان "رئیس پارلمان" نخجوان - که شب ها برق نداشت - این "خدای پیشین در نور لرزان شمع ها می گفت: "می بینید، اینجا از تبعید هم بدتر است." اگر چه در میان اطرافیان، که معلوم بود به او ایمان دارند، از احترام و آفری برخوردار بود، اما معلوم بود که این موقعیت راضی نمی کند. از دو سال پیش طرفداران او در سراسر آذربایجان - که شبکه ای مستحکم از "آپاراتچیک" هایی که هنوز مشاغل خود را حفظ کرده اند، را تشکیل می دهند - مدام نزد او تکرار می کرد -

ند که تنها کسی است که کشور در انتظار بازگشتش است." با شکست های پیاپی آذربایجان شمالی از ارمنستان و سرخوردگی فزایندهٔ حاکمان آن در سراسر کشور - که زمانی به جبههٔ خلق امید بسته بودند - این ادعاهای هواداران علیف هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک گشت. این وضع بسیار شباهت به وضع گرجستان ولایتوانی دارد، که در آنجا ها نیز " مردان شمارهٔ یک " کمونیست پس از یک دورهٔ موقت به قدرت رسیدن ملی گرایان پرشور به مقام خود بازگشتند . در آذربایجان شمالی " حماسهٔ علیف " از او مردی " نیرومند ، با تجربه ، دیپلما - تی خوب و مورد احترام در همهٔ دنیا " تصویر می نماید ، که تنها کسی است که می تواند در آن واحد " در دل ارامنه هراس بیفکند " و با آنان برای دستیابی به صلح به مذاکره بنشیند .

اما مشکل آنجاست که حیدر علیف دارای دشمنان زیادی نیز هست : گذشته از گروهی که فعلاً بر سر کارند (که علیف آنان را به بی تجربگی غیر مسؤولانه متهم می سازد) ، دارو دسته هایی که از " مبارزات ضد فساد " پیشین او لطمه دید هاند ، کسانی که همچون همیشه در او یک " مأمور روس ها " می بینند ، یا شخص ابوالفضل ایلیچی بیگ که در زمان حکومت علیف به اتهام فعالیت های ضد کمونیستی به زندان افتاده بود ، در این زمره اند .

با این حال ، ایلیچی بیگ با در نظر داشت محبوبیت بی چون و چرای علیف - ناچار گشت در ماه مارس ۱۹۹۳ از او دعوت نماید که مقام نخست وزیری را عهده دار گردد ، که رد کرد : علیف مردی نیست که بازی در نقش های دوم را به پذیرد . این بار ، با شورش نظامی در روزه های باکو ، ایلیچی بیگ تسلیم خواست های رقیب خود - پیش گشت .

در ماه مه ۹۳ دیپلمات های ترک در باکو در برابر احتمال به قدرت رسیدن علیف بسیار محتاطانه سخن می گفتند ؛ اما در ماه ژوئن به نظر می رسید که آنان نیز وی را واپسین امید به وجود آوردن ثبات در آذربایجان شمالی می انگارند ، و تأیید داشتند که او " نوکر هیچکس نیست " ، و قادرست با تمامی همسایگان آذربایجان شمالی به صورتی " زیرکانه تر " مذاکره نماید .

در هر صورت ، علیف در نخجوان موفق گردید با تحریم های ارمنستان مقابله نماید ، و با مذاکره با ارامنه " با وجود مخالفت باکو " از گسترش جنگ به آن سرزمین تا مدتی جلوگیری کند . او همچنین توانست از ایران و به ویژه ترکیه کمک دریافت نماید . با این حال ، هنوز (در زمان نگارش این مطلب) در مورد روابط علیف با مسکو ابهاماتی وجود دارد : به گفتهٔ یک دیپلمات روس ، همکاران یلتسین که در آوریل ۹۳ با او در مسکو دیدار نمودند ، وی را در اقدامات اخیرش راهنمایی کرده بودند . اما موفقیت علیف در قول هایی که به مردم آذربایجان شمالی داد چندان نیز مهم نبود . وی در نخجوان با شورش اقلیت تالشی ، که از حمایت ایران برخوردارند ، و در ماه ژوئن ۹۳ فعالیت هاشان را در لنکران ، در جنوب جمهوری ، افزودند ، روبرو بود .

به رغم کارایی علیف، در بخت غلبه او بر مشکلات و مصایب مردم تردید باید داشت، زیرا در حالی که ارامنه تند رو مسأله قاراباغ را به امری اخلاقی - سیاسی - مذهبی بدل نموده، به تصرف شهرهای آذربایجان شمالی ادامه میدادند، روس‌ها با نفوذ اقتصادی و اداری گذشته و ترک‌ها به دنبال سلطه خود بودند، حیدر علیف و حسین اوف و "اوف‌ها" دیگر توانا به کارهای اساسی نمی‌توانستند باشند.

ارامنه قاراباغ راه هرگونه حل مسالمت‌آمیز برای خود مختاری قاراباغ با حفظ تمامیت ارضی آذربایجان شمالی را بسته‌اند. کلیسای اچمیادزین با استناد به قتل عام ارامنه به وسیله ترک‌های عثمانی، هشدار نسبت به عواقب فعالیت ایدئولوژی "پان‌ترکیسم" در آذربایجان شمالی و عنوان مکرر کینه‌های تاریخی نسبت به مسلمانان، مروج نوعی ناسیونالیسم مذهبی است، و اندیشه تشکیل "ارمنستان بزرگ" شامل بخشی از ترکیه، ایران، قفقاز و نخجوان، را تبلیغ می‌نماید.

اندیشه "ارمنستان بزرگ" البته اندیشه‌ای قدیمی است، و بارها در مقاطع تاریخی مختلف از سوی ارامنه تند رو انحصارطلب به پیش کشیده است. به عنوان مثال ارامنه برای جبران پشتیبانی‌شان از متفقین در جنگ جهانی اول ایجاد یک "ارمنستان بزرگ" را مطالبه می‌نمودند. مرزهای این "ارمنستان بزرگ" مطرحه می‌بایست از غرب به بندراسکندرون در مدیترانه رسیده، شامل هفت استان شرقی آناتولی، قوبرنای ایروان، بخش‌های جنوبی قوبرنای تغلیس، همچنین زنگه‌زور، شو-شا، جوانشیر، قازاخ و قسمتی از گنجه و الیزابت پل گردد^۱. این مرزها در درجه نخست بر مبنای فرضیات تاریخی و استراتژیک قرار داشت. ارامنه در داخل کشور خویش اقلیت‌هایی را تشکیل می‌دادند. به واسطه جاه‌طلبی‌های جغرافیایی ارمنستان هم به عنوان یک ماوراء قفقاز و هم یک کلیت خارج از منطقه با منافع دور رس عمل می‌نمود.

نفوذ گسترده ارامنه در آمریکا، اروپا و بخشی از آسیا افزون بر مسیحی بودن آنان سبب گشته است که رسانه‌های جمعی بین‌المللی چشم بر وقایع دردناک و شرم‌آوری که در آذربایجان شمالی می‌گذرد، به بندند، و قتل عام مردم خوجعلی و آوارگی و تحقیر مردم آذربایجان شمالی از سوی ارامنه تند رو را به چیزی نگیرند.

با توجه به قطعنامه ۸۸۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر ضرورت خروج ارامنه از نواحی اشغالی آذربایجان شمالی، نیروهای ارمنستان از اجرای قطعنامه تن‌زده، با ویران ساختن شهرها و آواره نمودن آذری‌های شمالی کینه‌های تاریخی را ژرف‌تر کردند.

۱ - "Republic of Armenia, Delegation to Peace Conference"

۲۹ ژوئیه ۹۳ پارلمان آذربایجان شمالی تصمیم برگزینی یك فرزند وم در باره سرنوشت سیاسی ابوالفضل ایلیچی بیگ را اتخاذ نمود. تاریخ اجرای این فرزند وم ۲۸ اوت تعیین گردید.

شب ۲۹ اوت اماکن اخذ رأی در شهرهای مختلف آذربایجان شمالی تعطیل- گشت. سراسر روز مذکور رأی دهندگان در فرزند وم در باره اعتماد یا عدم اعتماد به ابوالفضل ایلیچی بیگ شرکت نمودند.

مأموران دولت گفتند که، نتیجه اخذ آرا ابتدا ۳۱ اوت به اطلاع عموم خواهد رسید، اما محاسبات اولیه و ارزیابی های ناظرین خارجی مبین این بود، که اکثر رأی دهندگان بر علیه ایلیچی بیگ رأی داده اند.

نظر داده می شد که تقریباً ۰.۸۰ / رأی دهندگان از حق رأیشان استفاده - نمودند، هر چند که آراء ۰.۵۰ / از رأی دهندگان به خودی خود برای تعیین سرنوشت سیاسی ایلیچی بیگ کافی بود.

رئیس جمهوری موقت، حیدر علیف، قول ترتیب یك انتخابات ریاست جمهوری تازه برای ۳ ماه بعد را داد.

هیأتی از جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور نظارت بر سلامت فرزند وم در - باره سرنوشت سیاسی ایلیچی بیگ به باکو رفت. سرپرستی این هیأت را فاطمه همایون، نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی، عهده دار بود. هیأت ایرانی در جریان اخذ رأی در چند روستا و شهر آذربایجان شمالی نظارت نمود.

۵ سپتامبر حیدر علیف جهت دیدارهایی با نمایندگان دولت روسیه در خصوص اختتام جنگ علیه نیروهای ارمنی، که پیوسته عمیق تر و عمیق تر در خاک آذربایجان شمالی نفوذ می نمودند، وارد مسکو گسردید.

علیف به برقراری مجدد روابط قوی با روسیه دست زد.
پارلمان آذربایجان شمالی به علیف اختیار حل مسأله ورود مجدد جمهوری به "جامعه دول مستقل" را تفویض نمود.

عضویت در "جامعه دول مستقل" به آذربایجان شمالی حق شرکت کشور در معاهدات امنیتی مشترک جامعه، و امکان تقاضای کمک از نیروهای جامعه را می - دهد.

۶ سپتامبر علیف در دیدارش از مسکو، از روسیه تقاضای دخالت نظامی برای متوقف ساختن پیشروی های ارمنستان در خاک آذربایجان شمالی را نمود.
به قول خبرنگاری "آسوشیتد پرس"، علیف در عرض قول اصلاح روابط آذر - بایجان شمالی با روسیه را داد.

"ایتار-تاس" از قول وزیر دفاع روسیه، پاول گراچوف، گفت که، علیف از وی تقاضای "اعمال اتوریته ارتش روسیه" به منظور متوقف ساختن مناقشات در آذر - بایجان شمالی را نمود.

اما نه گراچوف و نه یلتسین هیچکدام پاسخی آنی به تقاضای علیف ندادند.

وضعیت از آنجا غامض تر می‌گشت که روسیه پیشاپیش به وسیلهٔ يك قرارداد دفاعی با ارمنستان مقید بود. از جمله نیروهای روسی حافظ سرحدات ارمنستان در برابر ترکیه‌اند.

تقاضای آزربایجان شمالی از روسیه مبنی بر دخالت نظامی تحولی تازه در روند جنگ بود.

روز دوشنبه ۲۷ سپتامبر پارلمان آزربایجان شمالی در باکو موافقتش را با پیوستن جمهوری به "جامعهٔ دول مستقل" اعلام داشت. در زمان ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیگ آزربایجان شمالی از عضویت در این جامعه احتراز می‌ورزید. پارلمان آزربایجان شمالی الحاق به "جامعهٔ دول مستقل" را با ۳۱ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع تصویب نمود. قرار شد حیدرعلیف اسناد الحاق جمهوری به "جامعهٔ دول مستقل" را روز جمعه ۲۴ سپتامبر در مسکو امضا نماید. در ضمن، پیشاپیش (۲۴ سپتامبر) آزربایجان شمالی در زمرهٔ ۹ کشور از ۱۱ کشور عضو "جامعهٔ دول مستقل" يك پیمان اصولی اقتصادی را در مسکو امضا کرده بود.

پیمان مذکور ایجاد مرحله به مرحلهٔ يك فضای اقتصادی مشترك بر اساس مناسبات اقتصاد بازار را پیش‌بینی می‌نمود.

یکسان گردیدن مقررات گمرکی، تعیین تعرفه‌های واحد برای تجارت خارجی، مبادلهٔ آزاد انسان‌ها، سرمایه، سیاست هماهنگ حمل و نقل، ارتباطات و سرمایه‌گذاری از جملهٔ مواد این پیمان بودند.

یکشنبه ۳ اکتبر تقریباً ۰/۰۹۰ از مشمولان رأی در آزربایجان شمالی در انتخابات ریاست جمهوری - که سومین انتخابات از ۱۹۹۱ به بعد بود - برای گزینش جانشین ایلچی بیگ رأی دادند.

در این انتخابات به نظر می‌رسید که برد با علیف در مقابل دو کاندیدای دیگر به اسامی شاکر تقیف و کرار ایلیف باشد. انتخابات با آرامش نسبی برگزار گشت.

"جبههٔ خلق آزربایجان" در شهر اردوباد در نخجوان، زادگاه ایلچی بیگ، تلاش‌هایی برای اخلال در امر اخذ رأی به عمل آورد.

آیا شانسی برای پایان بحران قاراباغ وجود داشت؟

ارامنه با پشت گرمی روسیه، که استقلال و تمامیت ارضیشان را ضمانت نموده، و با کمک افسران و تکنیسین‌های روسی که در ارتش‌شان خدمت می‌کنند، و کارایی آن را با راهنمایی و تعلیم افزایش می‌دهند، و با کمک‌های بلاعوض نظامی روس‌ها از جمله اهدای جنگ‌افزارها، موفق گردیدند به پیشروییشان در خاک آزربایجان شمالی ادامه داده، نقاط از پیش تعیین شده را یکی پس از دیگری مسخر نمایند.

ارامنه شاید هنوز متوجه نگشته بودند که آنها در اصل از روس‌ها "رودست" خورد هاند. روس‌ها آنها را به صورت وسیله‌ای برای تنبیه و تحت فشار قرار دادن آزربایجان شمالی انتخاب نموده بودند، کسه

آز رایجان شمالی به این وسیله دوباره به حلقه "جامعه دول مستقل" به پیوند . قطع آتش بس و حمله دوباره آرامنه به شهرهای آز رایجان شمالی در ماه ژانویه ۱۹۹۴ شاید گویای این بود، که روسها هنوز که هنوست به طور کامل از سیاست آز رایجان شمالی راضی نیستند، و با تحت فشار قراردادن آنها به وسیله آرامنه امتیازات بیشتری را از آنها طلب می نمایند .

اما ارمنستان روزی مجبور خواهد گشت نواحی متصرفه در آز رایجان شمالی را تخلیه، و به صاحبش مسترد دارد . تصرف شهرها یکی پس از دیگری به جز آواره ساختن ساکنین آن تنها باعث نفرت و حس انتقامجویی بیشتر می گردد، و بنیه اقتصادی طرفین را تضعیف، و سرمایه هایی را که برای آبادانی کشور بعد از کمونیسم ورشکسته بسیار لازمست، به هدر می دهد . رژیم کمونیستی ارمنستان و آز رایجان شمالی را از لحاظ اقتصادی به روز سیاه کشانده، شاید دهها سال طول کشد تا به توان خرابی های ناشی از سیستم کمونیستی گذشته را در آن جبران نمود . در مورد آز رایجان شمالی بدین می توان اکتفا کرد، که این سرزمین فقط برای بازسازی و پاک کردن محیط زیست از نفت در سواحل بحر خزر و شهرهایش حداقل به ۲۰ میلیارد دلار پول (در ۱۹۹۴) نیازمند بود . ادامه جنگ هر گام مثبت اقتصادی در این دو کشور را خنثی نموده، و دولتی را که سرکار بیاید، و هر چند هم در میان ملت از محبوبیت برخوردار باشد، و به خواهد اصلاح اقتصادی محتاج به پول را اجرا نماید، با شکست مواجه می سازد . شکستی که از قبل پیش بینی شده است . برای آنکه پول آبادانی کشور صرف جنگ می گردد .

آرامنه با دادن ۲/۵ میلیون قربانی در ترکیه عثمانی همیشه از طرف جهان غرب و خصوصاً آمریکا به عنوان ملت "مظلوم" خوانده می شدند، و هنوز هم می شوند . حملات تجاوزکارانه آرامنه در خاک آز رایجان شمالی تنها به وجهه آرامنه در عرصه بین المللی لطمه می زد، برای اینکه پشت این حملات دلایل محکمی وجود نداشت . از طرف دیگر، دولت هر دو بدشانسی آوردند، چه دولت آمریکا و اروپای غربی گرفتار مسائل صلح خاورمیانه، سومالی، یوگسلاوی سابق و تائیتی بودند، و کسی توجه زیادی به مسائل ارمنستان و آز رایجان شمالی نداشت، که برای حل دعوی دو کشور به طور جدی اقدامی نماید .

از طرف دیگر، سؤال این بود، و در آینده نیز خواهد بود، که ارمنستان در آز رایجان چه هدفی را دنبال می نمود، و خواهد نمود؟ اگر صلح دائمی می خواست می بایست که دست از پیشروی برداشته، و پشت میز به نشیند، و مسائل خود را باز نظر گرفتن منافع آز رایجان شمالی حل و فصل نماید . ممکن بود آرامنه به زور اسلحه آز رایجان شمالی را مجبور به صلح و اعطای امتیازاتی به آنها کنند، ولی تا زمانی که این صلح با زور به دست می آمد، دارای ثباتی نمی توانست باشد، چه به مجردی که آز رایجان شمالی از حیث اقتصادی و نظامی ترمیم می گشت، و قدری روی پیش می ایستاد، اقدام به پس گرفتن حقانیتش می نمود، و آن چیزی بود که به سود ارمنستان

۲۲ فوریه ۱۹۹۴ تحول سیاسی تازه‌ای در بحران پدید آمد .
به گزارش خبرگزاری‌ها ، تلاش‌ها برای اختتام جنگ بین آذربایجان شمالی
و ارمنستان مثمر بوده است .

روسای جمهوری دو کشور باید در تاریخی تا کنون تعیین نگشته در ماه مارس
به مقصود مذاکره دربارهٔ یک طرح صلح پیشنهادی با یکدیگر دیدار نمایند .
قرار این ملاقات به دنبال مذاکرات وزرای دفاع دو کشور با شرکت وزیر دفاع
روسیه ، پاول گراچوف ، به عنوان میانجی در ۱۸ فوریه در مسکو بر سر یک قرارداد
آتش‌بس گذارده شد .

این موافقت پس از جنگ شدید دو کشور در دو ماه گذشته
در نواحی خالبا جار و داغلق قاراباغ با عقب نشینی ارمنستان به مواضع دفاعی به
عمل آمد .

در ملاقات دو رئیس‌جمهوری شرایط قرارداد صلح باید مورد مذاکره قرار
گیرد .

رئیس‌جمهوری آذربایجان شمالی به کرات خاطر نشان ساخته است ، که پیش از
خروج کلیه نیروهای ارمنستان از آذربایجان شمالی صحبتی بر سر مذاکرات صلح
نمی‌تواند در کار باشد . در حال حاضر ۰.۲٪ از خاک آذربایجان شمالی در
اشغال نیروهای ارضی است .

علیف در مصاحبه‌ای با روزنامه " فایناسل تایمز " می‌گوید که ، ارمنستان باید
داغلق قاراباغ را به صورت جزئی از آذربایجان شمالی به رسمیت به شناسد . می
گوید : " وقتی که این قبول شد ، موضوع وضعیت ناحیه باز خواهد بود . ما می‌توانیم
در باره اشکال مختلف وضعیت آن به توافق به رسیم ، و من به عنوان یک رئیس‌جمهوری
تضمین می‌کنم که آرامنه از کلیه حقوق برای سکونت در آنجا برخوردار خواهند بود ."
روزنامه " کیهان " (لندن) متن مصاحبه حیدرعلیف با خبرنگاران سرویس
بین‌المللی رادیو بی.بی.سی . " آرا ، که از بخش فارسی رادیوی مذکور نیز
پخش شد ، در شماره ۱۰ ، ۴۹۲ مارس ۱۹۹۴ خود چاپ نموده است . ما آنرا در
زیر عیناً بازدهی می‌کنیم :

" حیدرعلیف رئیس‌جمهوری آذربایجان چند روز پیش برای دیدار و گفتگو با
جان میجر نخست‌وزیر بریتانیا به لندن آمده بود . هدف اصلی از سفر وی به
انگلستان بررسی امکان اجرای طرح‌های مشترک در زمینه‌های مختلف صنعتی و بازر-
گانی با همکاری دو کشور در آذربایجان و مهم‌تر از همه امضای قرارداد فعالیت -
های نفتی شرکت بریتیش پترولیوم در آن جمهوری بود .

حیدرعلیف در گفتگو با خبرنگاران سرویس بین‌المللی رادیو بی.بی.سی . که

از بخش فارسی این رادیو نیز پخش شد گفت:

یک پیش نویس همکاری در زمینه انرژی با نخست وزیر بریتانیا امضاء شده که طبق آن، شرکت نفت بریتیش پترولیوم در صنایع نفت آذربایجان نقش مهمی به عهده خواهد گرفت. وی همچنین گفت بین نمایندگان یک کنفرانس نفتی غربی و آذربایجان مذاکراتی در جریان است که جزئیات در آینده اعلام خواهد شد.

* خبرنگار بی.بی.سی. از علی اف سؤال کرد: گویا شما برخلاف آقای ایلچی بیک رئیس جمهوری قبلی روابط نیکویی با غرب ندارید و اصولاً همکاری سرمایه گذاری خارجی و ایجاد بازار مبتنی بر اقتصاد آزاد در آذربایجان برایتان تا چه اندازه مهم است؟

- علی اف گفت: به لحاظ تجربیاتی که در کارهای دولتی دارم، روابطه شخصی من حتی از سوولان پیشین رئیس جمهوری آذربایجان با غرب بهتر است، زیرا به اهمیت غرب و دمکراسی غربی در رابطه با عمران و توسعه واقفم و این تصور که من نسبت به نیای غرب احساس منفی دارم نادرست است، به ویژه اکنون که مسؤولیت اداره جمهوری آذربایجان بر دوشم قرار گرفته است، معتقدم که آینده کشور، در گرو ایجاد شرکت های تولیدی و خدماتی آزاد و دمکراسی و سیستم چند حزبی و آزادی های فردی است.

در عرصه اقتصادی نیز من راه حل مطلوب را پیاده کردن سیستم اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و استفاده از سرمایه گذاری خارجی و همکاری هایی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته هستند در کشورم می دانم.

رئیس جمهوری آذربایجان افزود: سفر من به بریتانیا در مسیر تحقق همین هدف صورت گرفته است. علی اف گفت: آذربایجان آماده است تا با کلیه کشورهای جهان همکاری کند.

در پاسخ سؤالی در مورد دوام آتش بس بین ارمنه و آذری ها چند روز قبل و پس از امضای قراردادی میان وزرای دفاع چند جمهوری سابق شوروی منطقه، در مسکو امضاء شده، وی به خبرنگار بی.بی.سی. یادآور شد: من از این بابت مطمئن نیستم، زیرا نیروهای ارمنی، آتش بس ها را معمولاً رعایت نمی کنند، مثلاً ارمنه روز گذشته ناحیه Taizsky را که با قراباغ علیا فاصله زیادی دارد گلوله باران کرده اند، مضافاً بر این که طرف ارمنی ما اصولاً اهل آتش بس نیست. از رئیس جمهوری آذربایجان سؤال شد اگر آتش بس پسا برجانماند راه حل مشکل را در برخورد های نظامی جستجو خواهید کرد.

او پاسخ داد: آذربایجان دنبال راه حل جنگی برای این مسأله نیست بلکه اعتقاد دارد این مشکل به صورت صلح آمیز برطرف شود. وی ادامه داد: آذربایجان مایل است اختلافات دو جمهوری از راه گفتگو و احتمالاً وساطت سازمان های بین المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، یا شورای همکاری و امنیت اروپا یا گروه مینسک، از میان برداشته شود، حتی از نخست وزیر بریتانیا هم خواهش کرده-

ام که این کشور در تلاش‌های شورای همکاری و امنیت اروپا در این زمینه مشارکت نماید .

* سؤال بعدی از آقای علی‌اف این بود که آیا حاضرید پیشنهاد غیرنظامی - شدن قراباغ علیا را بپذیرید و آیا اهل معامله ارضی هستید ، مثلاً ایجاد یک کرید - و ر بین قراباغ علیا و نخجوان و بین ارمنستان و نخجوان و آذربایجان .
- حیدر علی‌اف پاسخ داد : قراباغ علیا قطعاً باید به منطقه غیرنظامی تبدیل شود . برای آن که قراباغ بخشی از آذربایجان است . ما پیشنهاد کرد ه ایم که امنیت ساکنان ارمنی قراباغ را تضمین می‌کنیم . بنابراین ناحیه باید غیرنظامی شود . در ضمن موضوع معامله هر سر بخشی از خاک را که موضوع تازه‌ای هم نیست می‌توان به بحث گذاشت .

* از رئیس جمهوری آذربایجان سؤال شد : گفته می‌شود ، آذربایجان از مزدوران کشورهای اسلامی و غربی در جنگ با ارمنه استفاده می‌کند ، آیا این موضوع صحت دارد ؟

- حیدر علی‌اف گفت : این گزارش درست نیست . اما ارمنستان از مزدوران خار - جی استفاده می‌کند و روسیه هم در آنجا پایگاه نظامی دارد و نیروهای ارمنی غالباً از فرماندهان روسی در جنگ نیز علیه آذری‌ها استفاده می‌کنند .

* خبرنگار بی . بی . سی . از علی‌اف پرسید : می‌گویند شما آذربایجان را با روش حکومت کمونیستی دوران شوروی سابق اداره می‌کنید اما در عین حال هم می‌گویید خیال دارید ، اقتصاد بازار آزاد را به آن جمهوری بیاورید ؟

- رئیس جمهوری آذربایجان جواب داد : این موضوع با واقعیت منافات دارد اولاً شما باید بدانید من حزب کمونیست را وقتی در قدرت بود در سال ۱۹۹۱ ترک کردم ، دیگر این که من درخواست کرده بودم حزب کمونیست در آذربایجان و همین‌طور در سراسر شوروی سابق منحل شود بنابراین من طرز فکر کمونیستی را مدت‌ها پیش کنار گذاردم و اکنون تمامی حواسم متوجه اشاعه د مکراسی و اقتصاد بازار آزاد در آذربایجان است .

* خبرنگار به حیدر علی‌اف گفت : قرار است بخش آذری سخن پراکنی بریتانیا به زودی تاسیس شود آیا این موضوع برای شما اهمیتی دارد ؟

- رئیس جمهوری آذربایجان گفت : بنظر من تشکیلات راد یو بی . بی . سی . بزرگترین از نوع خود در جهان است و موقمی که من از حزب کمونیست خارج شدم در گفتگویی با راد یو بی . بی . سی . به اطلاع جهانیان رساندم . علی‌اف روابط جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران را در حال حاضر طبیعی خواند اما گفت : در دوران رئیس جمهوری قبلی مناسبات دو دولت تیره شده بود ولی اکنون رابطه مان بهتر شده است . "

حیدر علی‌اف در اولین هفته ماه مه در مقر سازمان " ناتو " برنامه همیاری برای صلح پیمان آتلانتیک شمالی را امضا نمود . حیدر علی‌اف در مراسم امضای چهار -

چوب کلی این برنامه گفت: " برای پیوستن آذربایجان به این برنامه مطالعات دقیق صورت گرفته است. " وی گفت: " امضای قرارداد به تثبیت اوضاع در منطقه قفقاز کمک خواهد کرد. "

حیدر علی اف یادآورگشت که، رهبری جمهوری آذربایجان امیدوارست با امضای این قرارداد به حل مشکلات میان آذربایجان و ارمنستان کمک نماید. حیدر علی اف اضافه کرد، کشور او در عرصه سیاسی و نظامی با پیمان " ناتو " همکاری خواهد نمود، و تأکید کرد که، قبل از پیوستن به برنامه همیاری برای صلح با هیچکس مشورت ننموده است، که البته اشاره او به روسیه بوده است. به نظر آگاهان سیاسی، آذربایجان با پیوستن به این برنامه، بعد از این در مقابل فشارهای روسیه بیشتر می تواند مقاومت نماید.

معاون فرمانده پیمان " ناتو " در پاسخ خبرنگارانی که در مورد کمک به رفع اختلاف آذربایجان شمالی و ارمنستان از او سؤال کردند، گفت: " " ناتو " در صورتی که تمامیت ارضی یک کشور عضو آن مورد تهدید قرارگیرد، حاضر به مشورت های سیاسی در عرصه نظامی خواهد بود، اگر چه " ناتو " مایلیست رهبری ارمنستان هم به برنامه همیاری برای صلح به پیوندد. " نماینده ترکیه در پیمان " ناتو "، که در مراسم امضای این قرارداد شرکت داشت، با گسرمی استقبال گشت.

۳ اکتبر نقرات پلیس امنیتی موسوم به " اُپن "، وابسته به وزارت کشور آذربایجان شمالی، دادستان کل دولت، امیر عمروف، در باکو را - که پس از اشغال اداره اش به گروگانش گرفته بودند - آزاد ساختند. به گزارش " اینتر فاکس "، رامیل ازوبوف، وزیر کشور، گفت که، افراد پلیس به قرارگاه هایشان بازگشته اند. آنان پیش از آزاد ساختن دادستان کل، مضر ویش - نمودند.

گروگان گیری به دنبال دستگیری سه عضو از واحد الیت در رابطه با ترور نایب رییس پارلمان، عافی الدین جلیلوف، و رییس سرویس ویژه اطلاعاتی ریاست جمهوری، شمس رحیموف، در ۲۹ سپتامبر، صورت گرفته بود. جلیلوف، که ریاست طرف آذری کمیسیون مشترک جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان شمالی را بر عهده داشت، از رهبران حزب کمونیست سابق این سرزمین بود.

از مدتی پیش شایعه کودتای نزدیک در باکو پراکنده گشته بود. شایعه در آخرین هفته سپتامبر با موفقیت چهار مخالف برجسته رییس جمهوری در فرار از زندان وزارت امنیت ملی دامنه وسیعتری گرفته بود. ه اکتبر نیروهای دولتی داخل گنجه، دو مین شهر بزرگ کشور، گردیده، به دنبال آتش توپ کوتاهی، بدون برجای گذارده شدن کشته، یک شورش در غرب آذربایجان شمالی را فرو نشانند.

شورشیان وابسته به پلیس امنیتی و شهروندان مسلح، که پشتیبانان نشان از صورت حسین اوف، نخست وزیر، را اعلام داشته بودند، ۴ اکتبر چندین ناحیه در کشور، توأماً گنجه، را تحت کنترلشان درآوردند.

حیدر علی اوف ۵ اکتبر نخست وزیر را متهم به تدارک کودتا نمود، وی را از مقامش برکنار ساخت. پارلمان با ۳۱ رأی موافق در برابر ۱ رأی مخالف برکنار سازی حسین اوف را پذیرفت. علی اوف هزاران تن از شهروندان باکورا برای اعلام از پشتیبانی از رژیمش به اجتماع در برابر پارلمان فراخواند. به نظر ناظرین، قضیه بیشتر به تلاشی ساختگی از طرف علی اوف برای کناره زدن حسین اوف از صحنه شباهت داشت.

علی اوف در یک نطق تلویزیونی در ماتیک، که پس از به اجرا درآمدن موزیک تأثر انگیز، مستقیماً پخش گردید، گفت که، صورت حسین اوف، نخست وزیر، عامل کودتا است. وی با لحنی علناً ناراحت و به ظاهر خسته افزود: "من از کلیه کسانی که به حیثیت و استقلال دولت ارج می گذارند، درخواست می کنم که جلوی پارلمان گرد بیایند."

حسین اوف در تکذیب در خالتش در قضیه به "ایثار-تاس" گفت: "کسانی سعی دارند من را داخل یک بازی سیاسی به کنند."

۷ اکتبر علی اوف نایب خود فواد قلی اوف را، که ۵۳ ساله، مهندس و یک کمو-نیست سابق است، و در دهه ۷۰ در زمان دبیر اولی علی اوف در "حزب کمونیست آذربایجان شمالی" یکی از همکاران نزدیک او بوده، به عنوان نخست وزیر موقت، به جای حسین اوف برکنار شده معرفی نمود.

۱۳ مارس ۱۹۹۵ نیروهای الیت وزارت کشور موسوم به "اُپن" با اشغال چندین ساختمان دولتی در دوشهر آذربایجان شمالی در نزدیکی مرز ارمنستان شورش نمودند. روز بعد از این رخداد وزیر کشور، رامیل اسویوف، به "اُپن" دستور منحل شدن را داد، اما نیروهای الیت از آن سرپیچی کردند. به نظر می رسد که تعداد زیادی در جریان زد و خورد های چند روزه به قتل رسیده باشند.

۱۶ مارس رییس جمهوری آذربایجان شمالی، حیدر علی اوف، اعلام خطر نمود، که، به دنبال شورش نیروهای ویژه پلیس و درگیریشان با نیروهای رییس جمهوری، کشور در آستانه یک جنگ داخلی قرار گرفته است.

رییس جمهوری از طریق تلویزیون بدون اقبال در تلاش متقاعد ساختن شورشیان به تسلیم برآمد. شورشیان بی اعتنا در پایگاهی در تقریباً هشت کیلومتری مرکز باکی موضع گرفتند.

به قول علی اوف، موضوع بر سر سازماندهی یک کودتا توسط نیروهای الیت وزارت کشور بوده است.

رهبر "اُپن"، نایب وزیر کشور جواد اوف، در ۱۵ مارس از پستش اخراج گردید.

اما او به قول برادرش، تا روز بعد هنوز پایگاه "اُن" را تحت کنترل کاملش داشت. رییس جمهوری د و برادر را متهم به سوء استفاده از نیروهای ویژه برای فعالیت های گانگستری نموده است.

صحت یا سقم دست داشتن مسکو در واقعه شورش جدید در آذربایجان شمالی روشن نبود. به نظر می رسید که سیاست خارجی علی اف پس از به دست گرفتن زمام امور جمهوری دوم به مذاق روس ها خوش نیامده بوده باشد، و تحریک چنین شورش به وسیله مسکو به این جهت به هیچ وجه بعید نبود. علی اف با موافقتش با کشیده شدن يك لوله نفت از میان خاک ترکیه و نه دریای سیاه، که مورد علاقه روس ها بود، روسیه را عصبانی نموده است.

در ضمن، آذربایجان شمالی سال گذشته قراردادی با يك شرکت بین المللی در مورد استخراج نفت کشور بست. سهم روسیه از این قرارداد به ارزش ده ها میلیارد دلار ناچیزست.

۱۷ مارس در حدود ۸۰ تن در جریان سرکوبی شورش به وسیله سربازان به قتل رسیدند. طبق اطلاعات دولتی، شورشیان قصد قتل حیدر علیف و يك کودتا را داشته اند.

شمار مقتولین در کانال "ان. تی. وی." غیروابسته روسیه اعلام گشت. خبرگزاری "اینتر فاکس" زودتر از کانال مذکور از دست کم ۳۰ کشته خبر داده بود. در تاریخ مزبور دولت آذربایجان شمالی هیچ اعلامیه رسمی درباره شمار مقتولین منتشر ساخت، اما حیدر علی اف در يك نطق جدی خطاب به ملت اعتراف نمود که، "مبارزات شدیدی" در جریان بوده است. دولت تنها خبر رسمی به قتل رسیدن رهبر نیروهای شورشی جوادوف را اعلام نمود. شورش با حمله نیروهای دولتی به پایگاه نیروهای پلیس پیش از طلوع آفتاب سرکوب گردید. ساکنین محلی می گفتند که، شورشیان و سربازان دولتی از سلاح های خود کار، نارنجک پرتاب کن و غیره بر علیه هم استفاده می کردند. گمان می رود که زمان حمله نیروهای دولتی در حدود ۷۰۰ تن در پایگاه وجود داشته اند. به قول نامیک عباسوف، وزیر امنیت، جوادوف کودتا را به قصد دست یافتن به پست وزیر کشور در آذربایجان شمالی ترتیب داده بوده است. و عباسوف در يك جلسه دولت گفت که، نقشه شورشیان به اسارت گیری و قتل رییس جمهوری بوده است.

وزیر دفاع، صفرابی اف، اطلاع داد که، نیروهای شورشی در ظرف شب به هدف اشغال کاخ ریاست جمهوری سعی خروج از پایگاهشان را نمودند. نیروهای دولتی به ضد حمله دست زدند، و، به قول وزیر دفاع، موفق به سرکوبی هر نوع مقاومتی طی يك درگیری تقریباً هشت ساعته گشتند.

زندگی در باکی با ۲/۵ میلیون جمعیت روز ۱۷ مارس آرام به نظر می رسید، لیکن سربازان کماکان به حفاظت از ساختمان های دولتی مشغول بودند. همچنین سربازان و خودروهای زرهی در اطراف پایگاه نیروهای ویژه شورشی سرکوب شده راه بندان ایجاد نموده بودند.

۴- بحران و ایدئولوژی "پان ترکیسم"

ابوالفضل ایلچی بیگ با وعده‌هایی اجرانشدنی مانند پیروزی سریع و تمام عیار بر ارمنستان، گره‌گشایی از مصایب اقتصادی، بازگردانیدن آذری‌های شمالی مهاجر، پالایش محیط زیست آلوده به مواد خطرناک، بریدن کامل از روس‌ها و... قدرت را در آذربایجان شمالی به دست گرفته بود. اما وی با دنباله‌روی از دولت ترکیه و جناح‌های افراطی آن، تندروی در ستیز با روسیه و خشکین ساختن ایران با حملاتش بدان خود را در میان مردم آذربایجان شمالی و آذربایجان شمالی را در میان همسایگان نیرومندش چنان منزوی ساخت، که ارمنستان توانست با استفاده از فرصت‌های مناسب و با پیروزی‌های پی در پی نظامی ۱۰٪ از خاک آذربایجان شمالی را اشغال، و صدها هزار زن، کودک، پیر و جوان را آواره و بی‌خانمان سازد. سقوط ایلچی بیگ، رهبر "جبهه خلق آذربایجان"، فی‌الواقع به منزله شکست ایدئولوژی "پان ترکیسم" در آذربایجان شمالی بود.

ایدئولوژی "پان ترکیسم" از زمان احیای استقلال آذربایجان شمالی در اوت ۱۹۹۱ اساس سیاست نفوذگرایانه ترکیه در آذربایجان شمالی را تشکیل داده بود.^۱ ایدئولوژی "پان ترکیسم" به هیچ وجه پدیده‌ای تازه در دهه ۹۰ نبود. این ایدئولوژی دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی بوده، طی چند دهه نقشی فعال در سیاست آذربایجان شمالی ایفا نموده است.

ایدئولوژی "پان ترکیسم" تقریباً از دهه ۸۰ قرن نوزدهم در سیاست آذربایجان شمالی فعال گشت.

۱- در رابطه با سیاست نفوذگرایانه ترکیه در آذربایجان شمالی، همچنین می‌توانید رک: "آذربایجان شمالی در وضعیت تاریخی نوین شوروی" (فصل ۹).

منادی "پان ترکیسم" در آن زمان در آذربایجان شمالی همانا کاسپرینسکی بود، که اصول و عقاید پان ترکیستیش را در روزنامه خود به نام "ترجمان"، که از سال ۱۸۸۳ با کمک های مالی تقیف انتشار می یافت، منعکس می ساخت.

کاسپرینسکی مشخصاً با هوشیاری از خطرات سیاست روس سازی تزاری، خصوصاً نفوذ جنبش "پان اسلاویسم" با کاتکف چهره رهبری کنند هاش، برنامه دفاعیش برای اتحاد مسلمانان در داخل امپراتوری روسیه را تنظیم نمود. از آنجا که این مسلمانان اکثری دارای ریشه ترک بودند، برنامه کاسپرینسکی هدف تعقیب یک جنبش اتنو سنتریک را داشت، که بدان به طور متناوب "ترکیسم" یا "پان ترکیسم" می گفتند. بر طبق ترم های کاسپرینسکی، "پان ترکیسم" یکی - به معنای هویت قومی مردم ترک زبان بود؛ و دیگری - مبارزه در راه همکاری و همبستگی آنان. کاسپرینسکی از یک ملت ترک (قوم) سخن می - گفت، ولی در اقدام به عمل سیاسی کوتاهی می ورزید. وحدت ترک ای که کاسپرینسکی تبلیغ می نمود، دارای طبیعت معنوی، زبانی و فرهنگی بود، و کلام اصلی آن از شعار وحدت زبان، فکر و عمل تشکیل می یافت. اولین شرط اصلی نیل به چنین هدفی ایجاد یک زبان ادبی قابل فهم برای جمیع ترکان از بالکان تا چین بود. در حقیقت یک چنین زبانی در روزنامه "ترجمان" شکل می گرفت. این زبان بر مبنای ترکی استانبولی، یعنی عثمانی، قرار داشت، هر چند که از عناصر خارجی فراوانی پاک شده، و با استفاده از دستور زبان ساده های تحریر می گشت. روزنامه "ترجمان" در دسترس کلیه باسواد های سرزمین های ترک زبان قرار داشت، ولیکن برای یک خواننده متوسط فقط در کریمه و آذربایجان شمالی به راحتی و در میان تاتارهای ولگا کمتر قابل فهم بود، در حالیکه ترک های شرقی و شمالی بدون آموزش مخصوص فهم آن را دشوار می یافتند. بنابراین "ترجمان" در عثمانی سازی زبان جراید آذربایجان شمالی آشکار بود، و این تمایل را پاره ای، از جمله زردابی، به عنوان اینکه به تصنع راه می برد، به انتقاد می کشیدند.^۱

رشد "ترکیسم" یا "پان ترکیسم" محرک آذری های شمالی به جستجوی خود - آگاهیشان گردید. پیچیده ترین روزنامه آذربایجانی قرن نوزدهم "کشکول" ابتدا معنای یک جامعه محلی مذهبی را از ملیت متمایز ساخت، حتی استعمال یک واژه واحد، یعنی ملت، برای نشان دادن این دورا به باد تمسخر گرفت. نویسند ه های با امضای سلطانف در روزنامه تردید و سرگردانی یک مسلمان قفقازی در مورد هویتش را به شکل یک گفتگوی خیالی نشان داد:

"س: ملیت تو چیست؟

ج: من یک مسلمانم و در عین حال یک ترک.

س: عثمانی هستی؟

ج: نه. من بیجانلی هستم. (بازی با کلمه آذربایجان و آوردن لغت بیجان

(از آن)

س: سرزمین بیجانلی ها کجاست؟

ج: تا آنجا که من می‌توانم به گویم در آن سوی رود آراز آذری ها زندگی می‌کنند، و در این سو بیجانلی ها.

س: زبان تو ترکی است، آیا بنابراین تو ترک هستی؟

ج: برای توضیح حال من کلماتی وجود ندارد. من ترک هستم ولی بیجانلی. س: به جای اینکه بیجانلی باشی، چرا خودت را ترک آذربایجانی ننامیده، و جانت را خلاص نمی‌کنی؟^۱

این استنتاج رسا اولین اظهار ادبی، ولو منفرد، یک وجدان ملی در حال زان-

دن می‌باشد: ترک بودن مخلوط شده با هویت آذربایجانی. نسل سوم روشنفکران آذربایجان شمالی، که کارشان را عموماً از آخرین دهه قرن نوزدهم آغازیده بودند، ضروری بود تا نخستین گام‌های فعالیت ملهم از سیاست واقعی را بردارند. در این مرحله انتقالی اعمال افراد بیش از کار گروه‌های سازمان یافته بود.

نخستین آذربایجانی شمالی‌ای که از مرحله فرهنگی "پان ترکیسم" پیش رفت، علی بیگ حسین زاده^۲ بود. حسین زاده در حین تحقیقات پزشکی در سان پترزبورگ چون کا-

سپرینسکی تحت تأثیر "پان ترکیسم" قرار گرفت، و تحت این هنایش در سال ۱۸۸۹

به هدف ترویج پیام یک ملت ترک به استانبول رفت. به دلیل بیگانگی عثمانی ها با ایده "ترکیسم"، مهاجرین آمده از روسیه عهده دار کار تغییر دادن آنها گردیدند. این

چنین پی گیری میسیونر واری بر خلاف دکترین رسمی دولتی، یعنی "عثمانیسم" بود، که وحدت و تساوی کلیه اتباع چند قومی ترکیه را اعلان می نمود. عبدالحمید دوم^۳،

سلطان مستبد عثمانی، نسبت به هر نوع ناسیونالیسمی، حتی ناسیونالیسم ترک، مشکوک بود، و آن را نیرویی انفصال گر به شمار می آورد. مساعی حسین زاده در استانبول

معطوف کسانی شد که دارای الفتی با رژیم نبودند، و او خود در زمره بانیان یک گروه زیرزمینی اپوزیسیون به نام "اتحاد عثمانی" گردید، که در آینده جنبش "ترک های

جوان" از آن نمود کرد.^۴ حسین زاده در این دایره نیز قادر به جلب پشتیبانی برای "پان ترکیسم" نگشت، به این علت که در آن مرحله مخالفین عبدالحمید هنوز پای بند

"عثمانیسم" بودند. علی بیگ حسین زاده، اما، در متأثر ساختن دسته‌های روشنفکر از طریق نوشتارهایش با نام مستعار توران (عنوان یکی از اشعارش) نسبتاً موفق بود. در

زمره مدیون های به وی می‌توان محمد امین و ضیا^۵ گوگ آلب، پیامبر آتی "پان ترکیسم"، را نام برد. فرد اخیر علی بیگ را یکی از مهمترین معلمان خویش می‌نامد.^۵

۱- روزنامه "کشکول"، ش ۲۲، ۱۹۸۱.

۲- (۱۸۷۶-۱۹۰۹)

۳- (۱۸۶۴-۱۹۴۱)

۴- آ. بی. کوران: "Inkılâp tarihimizve Ittihad ve Terakki"

(استانبول، ۱۹۴۸).

۵- ضیا گوگ آلب: "اصول ترکیسم" (لندن، ۱۹۶۸)، صص ۶-۵۰.

با بروز شرایط مساعدی در روسیه تزاری، حسین زاده شتابان به باکو بازگشت. "پان ترکیسم" که سابقاً یک جنبش بی شکل فرهنگی بود، پس از دوره انقلاب بورژوازی - دموکراتیک نافرجام ۱۹۰۵-۰۷ روسیه، در ترکیه در اقسام کلوپ ها و انجمن ها اشکال سازمانی یافت، و از پشتیبانی جراید و حمایت روزافزون دولت برخوردار گشت. در ضمن، "پان ترکیسم" رنگ و رویی سیاسی یافت. ضیا گوگ آلپ جامعه شناس به متفکر رهبری کننده جنبش پان ترکیستی ارتقا پیدا کرده، به ترویج رنسانس ملی ترک در دولت عثمانی پرداخت. این دعوت آلپ با بینش او از توران، سرزمین مادری افسانه ای ترک ها و گهواره تاریخشان، سازگار بود. آلپ در یکی از اشعار خود نوشت: "اغوز خان چهره های تار و میهم برای یک عالم / با قلب من مانوس و کاملاً شناخته شده است. / او با تمام عظمت و شکوه در خون من زندگی می کند. / او شمع قلب من است. / سرزمین اجدادی ترک ها نه ترکیه است و نه ترکستان؛ آن سرزمین کبیر جاودانی است، آن توران است." ^۱ پان ترکیست های تند رو ادعا می نمودند که، خلق های ساکن توره آن روزی تحت رهبری ترکیه و همبسته به وسیله علایق زبانی و مذهبی، همچنین مزایای تمدن جدید اروپایی متحد خواهند گردید.

توران دستاورد مهم جنبش پان ترکیستی، اما، ایده آلی در دست بود. ضیا گوگ آلپ آلترناتیو واقع بینانه تری را در کوتاه مدت توصیه می نمود: "امروزه ترک هایی که وحدت فرهنگشان آسان خواهد بود، عبارتند از ترک های اغوز، یعنی ترکمن ها. برای اینکه ترکمن های آنز رایجان ایران و خوارزم مانند ترکمن های ترکیه متعلق به دودمان اغوز هستند. بنابراین، ایده آل بلافاصله ما برای "ترکیسم" بایستی وحدت اغوز یا ترکمن باشد. هدف این وحدت چه خواهد بود؟ یک وحدت سیاسی؟ در حال حاضر نه! ما نمی توانیم پیش بینی کنیم که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، ولی در حال حاضر هدف ما فقط وحدت فرهنگی خلق های اغوز است." ^۲

به این ترتیب، عنصری تازه به برنامه "پان ترکیسم" افزوده گشت: "اغوزیانیم"، که آنز رایجانی ها را به عنوان نزدیک ترین خویشان ترک های عثمانی جدا ساخته، آنها را موضوع توجه مخصوصی قرار داد.

مهاجرین آنز رایجانی شمالی در استانبول نقشی چشمگیر در فعالیت های پان ترکیستی ایفا نمودند، و برخیشان حتی عهده دار پست های سیاسی دولتی گشتند. از حسین زاده، کاسپرینسکی و آق چوراغلو برای عضویت در شورای عالی (کوت) دعوت به عمل آمد، و آقایف بازرس مدارس ناحیه استانبول گردید. آقایف، نویسندگی همیشه فعال، در زمره همکاران اصلی نشریه "توریک" "پان ترکیسم" "تورک یورد" و "درآمد"، که در سال ۱۹۱۹ به وسیله آق چوراغلو پایه گذاری شده بود. در این زمان

۱- یو. هیه: "اساس ناسیونالیسم ترک" (لندن، ۱۹۵۰)، ص ۱۲۶.

۲- گوگ آلپ، ص ۱۷.

احمد بیگ تکامل سیاسی طولانی از موضع ایران گرا به "پان ترکیسم" را به پایان آورده بود؛ البته در "پان ترکیسم" او بازتابی از تئوری های آموخته در پاریس از معلمش ارنست رنان نیز بود. رنان ملیت (قومیت) را جمع کل صفات و ویژگی های تعریف می نمود که به سه مقوله تقسیم می شود: اول و مهمترین از همه زبان، آنگاه دین، اخلاق و عادات و بالاخره تاریخ، سرزمین و سرنوشت مشترک^۱. در نوشته های آقایف درباره "پان ترکیسم" و ملت ترک در "تورک یورد و" نشان از چشم انداز ویژه آذربایجانی او، خصوصاً در مورد افتراق شیعه و سنی بود. او نوشت که "مبارزه مذهبی ما را وامی دارد از یاد به بریم که ما ترک هستیم، و اختلاف سکناریستی اغلب ما را سوق می دهد که از ترک ها طرفداری ننموده، بلکه بر علیه هم نوع خود باشیم".^۲ پیگیریانه ترین مشخصه روشنفکرانه آقایف، یعنی ضد روحانی بودنش، در محکوم ساختن نقش مذهب در عقب نگاه داشتن رشد "ترکیسم" دوباره ظاهر می گردد: "آگاهی ملی چگونه می تواند بسته است در میان مردمی که دایماً مشغول به مرافعات مذهبی بوده، و وزیر نفوذ خارجی می زیسته اند، ریشه به دواند؟... زمانی که آموزش های باب در ایران ظاهر گشت، ترک های آذربایجان بیش از همه خود را در راه اعتقاد جدید قربانی نمودند، علیرغم این واقعیت که پایه گذاران بابیسم فارس بودند. به همین ترتیب همان ترک های امروز برای آزادی و مشروطیت ایران می جنگند".^۳

وی با خطاب به عثمانی ها درک ریشته اشتباه آنان از ملیت به عنوان تابعی از دین را رد نمود: "حتی امروز در استانبول ما برادران خود ترک های آذربایجانی را ایرانی خطاب می نماییم، در حالیکه آنها به زبانی صحبت می کنند، که دارای اندک تفاوتی با لهجه استانبولی است".^۴

در این زمان آقایف و حسین زاده بخت سیاسی شان را با جنبش ترکیه مرتبط ساخته بودند، حال آنکه مهاجرین دیگر آذربایجانی بازگشت به وطن را انتخاب نمودند. پارهای از آنان در پرتو بازگو کنندگان یک احساس سنجیوی آذربایجانی برتری نسبت به دستاوردهای تمدن معاصر عثمانی گشتند، و در این احساس آثار ارج گذارن به روسیه نیز بود. روشنفکران آذربایجانی با وجود تحاشی شان، عموماً پیرو ایده "ترکیسم" بودند، که پس از سال ۱۹۰۸ به جریان مسلط تفکر سیاسی آذربایجان بدل گشته بود؛ یک واقعیت که انعکاس وسیعش را در جراید آن زمان باکو یافته بود. حتی محافظه کاران مشکوک به هر نوع ناسیونالیسم و متعادل به اشتراک در تعصب شیعه بر علیه عثمانی، با موج همبستگی با عثمانی که از تجاوزات اروپاییان در جنگ های تریپول-لیتان و بالکان لطمه خورده بودند، جا رو شدند.

۱- "تورک یورد و"، ش ۱۰، ۱۹۱۲، ص ۲۹۳.

۲- همان، ش ۱۴، ۱۹۱۲، ص ۴۱۹.

۳- همان، ش ۱۷، ۱۹۱۲، ص ۵۴۷.

۴- همان، ش ۱۷، ۱۹۱۲، ص ۵۴۵.

ایدئولوژی "پان ترکیسم" در آینده مبنای سیاست توسعه طلبانه عثمانی در آسیای غربی گشته، سال های سال در متن تحولات سیاسی آزربایجان شمالی تکامل یافت، و در عین حال تأثیری تعیین کننده بر آنها داشت. این ایدئولوژی از زمان احیای استقلال آزربایجان شمالی نه تنها توسط دولت ترکیه در آن کشور دنبال گشت، بلکه تقویتی فزاینده نیز یافت. "جبهه خلق آزربایجان" و رهبرش ابوالفضل ایلچی بیگ منادیان این ایدئولوژی در آزربایجان شمالی بودند.

۵- ایران، ترکیه و آسیای غربی - میانه

آسیای غربی - میانه ملتهب به صحنه رقابت شدیدی بین ایران و ترکیه بدل شده است. در سطور زیر خطوط برجسته این رقابت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند: در برخورد با مسائل منطقه دو نیروی مساعد ایران را به پیش می‌رانند، حال آنکه نیرویی نامساعد آن را واپس می‌کشد.

یک - ایران به موجب سوابق تاریخی دارای کششی عاطفی به این کشورهای نوبنیاد است. بر اثر همین کشش بود که وزیر خارجه ایران اولین وزیر خارجه‌ای گشت که به تمام کشورهای منطقه (در پائیز ۱۹۹۱) سفر نمود. جرج مهرسکی، محقق مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی، در مسکو از گفتگویی سخن می‌گوید که با یکی از معاونان وزارت خارجه ایران داشته است.

در این گفتگو مقام رسمی ایرانی موضوع رقابت ایران و ترکیه را کم‌اهمیت گرفته، اظهار می‌دارد: "ترك‌ها دارای هیچ رابطه‌ای با منطقه نیستند. تنها چند لهجه نزدیک به ترکی آنها را به مردم منطقه مرتبط می‌سازد. تاریخ، تمدن، فرهنگ، ادبیات، علوم همه برای کشورهای نوبنیاد کشش بیشتری دارد تا حکومت مبتنی بر دین ایران." ظاهراً غرب مشتاق اینست که ترکیه دارای جای محکمی در منطقه شود. به همین جهت حتی کمیسیونر امور خارجی "بازار مشترك اروپا" فرانس‌آندریسن زمانی پیشنهاد کرد که بازار مشترك به جمهوری‌های آسیای مرکزی و ماورای قفقاز وام به دهد، که آنان مبادرت به خرید کالا از ترکیه کنند تا بدین وسیله رابطه‌شان با این کشور محکم‌تر شود، و در عین حال از ایران فاصله به گیرند. ولی بنا به گفته یک مقام رسمی آمریکایی، این ترکیه بود که بیشتر برای پیشبرد مقاصدش دست به سوی بازار مشترك دراز نمود، در حالی که این سازمان با نقشه ترکیه موافقتی نداشت. به هر صورت، ترکیه مایل است نفوذ خود پیش در منطقه را گسترش دهد، و غرب از این تمایل آگاهی دارد. نتیجتاً هر دو در یافتن همکاری با هم منتفع می‌گردند.

ایران ترکیه را متهم ساخته است که به دلال غرب مبدل گردیده. شواهدی در دست است که بر نحوهٔ تعمیر ایران صحنه می‌گذارد. گراهام فولو، تحلیلگر منطقه و کارمند پیشین "سیا"، معتقد است که "ترکیه در بطن یک منطقه ژئوپولیتیکی نوظهور قرار دارد. یک ترکیه‌ی مسؤول می‌تواند عامل متعادل کنندهٔ پر قدرتی در منطقه باشد." مقامات رسمی ایالات متحده آمریکا اظهار امیدواری می‌نمایند که روش مسالمت‌آمیز ترکیه در آشتی دادن فرهنگ متجدد غرب با اسلام سر مشق جالبی برای جمهوری‌های جدید ارائه دهد. ریچارد آرمیتاژ، معاون سابق هماهنگ کنندهٔ عملیات کمک ایالات متحده آمریکا به "کشورهای مشترک المنافع"، می‌گوید: "ترکیه یک وزنۀ مقابل ایدئال در برابر نفوذ ایران است." مقامات دیگر آمریکا پی متذکر گردیدند که، کشورشان ممکنست سرانجام به برنامه‌های ترکیه کمک به رسانند. ترکیه همکاری‌هایش را با غرب کتمان نمی‌نماید. بنا به گزارش سفارت ترکیه در واشنگتن، ایالات متحده آمریکا و ترکیه سرگرم طراحی یک سلسله عملیات فنی مشترک در منطقه‌اند. "این برنامه‌ها مکرر کوشش‌های وزارت خارجهٔ آمریکا در پیشبرد اصلاحات دموکراتیک و گسترش اقتصاد بازار در منطقه به شمار می‌آیند، و مشتملند بر کمک مشاورین مالی ایالات متحده به وزارتخانه‌های دارایی، بانک‌های مرکزی و دیگر مؤسسات پولی و مالی این کشورها."

د و د پیگر - رستاخیز اسلامی به ایران وسیلهٔ تازه‌ای ارائه نموده است تا به یاری آن به تواند نقشی در منطقه اجرا نماید.

ا ما - ایران ملغمه‌ای است از ملل مختلف. بینک از شعله ورگشتن احساسات ناسیونالیستی - جداسری در میان ملل گوناگون، ایران تعابلی ندارد که مسائل قومی را مطرح سازد، و به همین علت آثار جاه طلبی‌های سیاسی از خود بروز نمی‌دهد، و مبادرت به میانجی‌گری بین آذربایجان و ارمنستان نمود. رابین اظهار می‌دارد که، موضع ایران در منطقه بیشتر جنبهٔ تعاون دارد تا رقابت، و این تا حدودی از اوضاع وخیم اقتصادی ایران سرچشمه می‌گیرد.

دربارهٔ ترکیه باید گفت که این کشور در رویای ایجاد یک فدراسیون ترک زبان به سر می‌برد که از بالکان شروع می‌شود و به استان سین کیانگ چین ختم می‌گردد. ترکیه آرزومند تشکیل یک "بازار مشترک ترک" است، و مشغول برنامه ریزی برای صدور یک کارت شناسایی واحد برای همهٔ جمهوری‌های جدید آسیایی است تا بدان وسیله امر مسافرت و انجام فعالیت‌های بازرگانی را آسان گرداند.

البته ترکیه با هیچکدام از این کشورها مرز مشترک ندارد، و تنها با ناحیهٔ نخجوان هم مرزست. ترکیه ظاهراً روی این حساب می‌کند که سیستم حکومتیش در مسابقه برای سلطه بر منطقه جلوی عملیات ایران را به گیرد، و هیچ وسیله‌ای را در این راه فرو نمی‌نهد. مثلاً تورگوت اوزال، رئیس جمهوری وقت ترکیه، در یک جلسهٔ شورای بازرگانی ترک‌های آمریکا در

آوریل ۱۹۹۲ اظهار داشت که، ترکیه مایل است راه ها و امکانات ارتباطی دیگری سوی آنچه موجود است، در اختیار جمهوری های آسیای مرکزی قرار دهد. او ابتدا به درستی به این مسأله اشاره نمود که همه راه های این جمهوری ها از مسکو عبور می کند، حال آنکه مسیرهای کوتاهتر و ارزانتری می تواند مورد استفاده قرار گیرد، مثلاً "ترکمنستان می تواند از طریق ایران با کشورهای دیگر مرتبط شود".

ولی بعد اضافه نمود: "اگر مسأله بین آذربایجان و ارمنستان فیصله یابد، راه آبی خزر (بدون گذشتن از ایران) حتی ۶۰۰ کیلومتر کوتاهترست." معیناً، به ظن قوی، هر تلاشی برای مستثنی کردن ایران از تحولات منطقه به دنبال آورنده عواقب ناخوشایندی خواهد بود. بنا به نظر برخی از ناظران سیاسی، ترکیه نباید تنها تسهیل کننده روابط جمهوری های جدید با غرب باشد، بلکه بیشتر باید سعی نماید که ایران با غرب رابطه یابد.

با دیدی، حکومت دموکراتیک غیردینی ترکیه برای نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور-های نواحی منطقه، که همه دست پروردگان نظام اتحاد شوروی سابقند، مقبولیت بیشتری دارد تا حکومت ملامسالاری ایران. کریم اوف، رئیس جمهوری ازبکستان، در یک گرد هم-آیی مقامات بازرگانی برجسته آمریکا در سوتیس (در ژانویه ۱۹۹۲) بیان داشت که "ما الگوی توسعه ترکیه را می پسندیم." یک روزنامه نگار ازبک در نشست دیگری اظهار کرد که "تاریخ این مردم را مجبور خواهد کرد که باهم کنار بیایند، زیرا ما با همدیگر آشنایی بسیار بیشتری داریم تا با جهان خارج. این تحول ممکنست ده تا پانزده سال به درازا به کشد، اما سرانجام گونه ای از فدراسیون ترک آسیای مرکزی به وجود خواهد آمد." آثار دیگری از این تمایل کشورهای منطقه به ترکیه در دست است. در مقر "حزب

آزاد" - که حزبست کوچک - در قزاقستان تصویری از کمال آتاتورک (بنیانگذار ترکیه ی جدید) به چشم می خورد. وانگهی، روی دیواری سرود ملی ترکیه را نوشته اند. دبیر روزنامه ارگان حزب اظهار می دارد که، تنظیم سرود ملی قزاقستان را به مسابقه گذاشته اند، هر چند که سرود ملی ترکیه می تواند الهامبخش شرکت کنندگان در این مسابقه باشد. ترکیه موفق گشت آذربایجان شمالی را به پذیرش خط لاتین (که مورد استفاده ترک ها نیز هست) راضی سازد. همچنین انتخاب ایلچی بیگ به مقام ریاست جمهوری آذربایجان شمالی را می بایست به سود ترکیه و به ضرر ایران دانست. او بارها علیه ایران مطالبی بیان نموده است. یک بار اظهار داشت: "ایران یک امپراتوری نا-متجانس تر از امپراتوری روسیه است، و اگر اقدام به اصلاحات دموکراتیک و ایجاد یک فدراسیون به طور داوطلبانه نکند، محکوم به نابودی است." به دنبال این جبهه گیری های ضد حکومت ایران، یک نماینده زن مجلس شورای ایران ایلچی بیگ را یک عنصر سیاسی نا بالغ خواند، که از اصول متعارف و معمول دیپلماتیک بی اطلاعت.

ایران و ترکیه که در حال اوج دادن رقابت های خود هستند، دست به اقداماتی زده اند که ممکنست اوضاع بی ثبات منطقه را بی ثبات تر سازد. گزارشی حاکی از آنست که افسران بازنشسته ارتش ترکیه مشغول دادن تعلیمات نظامی به آذربایجانی های شما-

لی و ایجاد ارتش مستقلی برای این کشورند. اولین اقدامات این نظامیان عبارت بوده است از یکتواخت ساختن رده ها و درجات نظامی، اونیفورم و سایر امور نظامی و کشور ترکیه و آذربایجان شمالی. بنا به عقیده رابرت لگ وولد، مدیر مؤسسه مطالعات شوروی وابسته به دانشگاه کلمبیا آمریکا، ترکیه به فروش اسلحه به آذربایجان شمالی مبادرت ورزیده است. از جانبی دیگر، ایران نیز در حال رخنه نمودن در آذربایجان شمالی است. "سازمان مجاهدین خلق ایران" خبر داده است که دولت ایران معادل ۱۳۰ میلیون دلار برای اعزام گروه های تبلیغ دینی و سیاسی به آذربایجان شمالی اختصاص داده است.

همچشمی های ایران و ترکیه چندان خوشایند کشورهای منطقه نیست. مثلاً ارمنستان صراحتاً اعلام نموده است که در صورت روابط متعادل با کلیه کشورهای برقرار سازد، زیرا آن طور که آنان می دانند، تنها یک موازنه ژئوپلیتیکی است که تضمین کننده امنیت ارمنستان خواهد بود. نیز یک مقام عالی رتبه آذربایجانی اظهار داشته است که، آذربایجان شمالی استقلال خود را بدان سبب از روس ها نگرفت که زیر سلطه ایران یا ترکیه به رود. همچنین، بی توجه به تلاش های ترکیه در راه اشاعه دموکراسی غربی، برخی از رهبران منطقه به کل قضیه با دیدی ناباور می نگرند. نیاز اوف، رئیس جمهوری ترکمنستان، یک بار به خبرنگاران گفت که، به نظر او منطقه برای دموکراسی چند حزبی فاقد آمادگی لازم است. اسماعیل اوف، سردبیر نشریه "قزاقستان مستقل" در مقاله ای، که منعکس سازنده نظرات رئیس جمهوری آن کشور بود، نوشت که، بازگشت به خط لاتین - که بسیار مورد دلخواه ترکیه است - به قزاقستان ضروری بسیاری خواهد زد. این تغییر خط موجب آن خواهد گشت که قزاقستان دیگر نتواند از آرشیه های ملی خویش بهره گیرد.

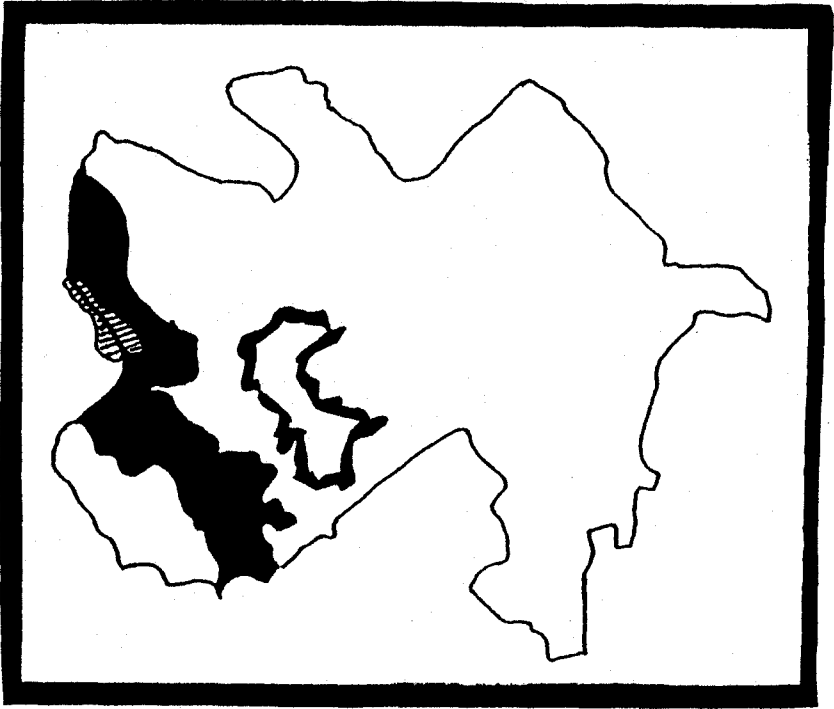
قزاقستان می کوشد نفوذ ایران و ترکیه را در حالت توازن نگاهدارد. در اجرای این استراتژی این کشور بر آنست که روابط پیشین خود با روسیه را حفظ نماید. به همین دلیل قزاقستان و روسیه دارای سیاست دوازده های باز تجارتی اند، در هر دو کشور هنوز روبل پول رایج است، و قزاقستان خط مشی های سیاسی و دفاعی خود را با روسیه هماهنگ می سازد. نظریات، رئیس جمهوری قزاقستان، مخالف گروه بندی جمهوری های شوروی سابق به دو دسته اسلاو و ترک - اسلامی است. وی معتقدست چنین اقدامی به بار آورنده آثار نامطلوبی برای کشورش خواهد بود. دلیل عمده این جهت گیری خاص وجود یک اقلیت بزرگ روسی - در حدود ۰.۴٪ کل جمعیت - در قزاقستان می باشد. این اقلیت اغلب مناصب تخصصی سطح بالای قزاقستان را اشغال نموده است، و هرگونه سخن از روس زدایی این کشور موجب خواهد شد که روس ها بخش قابل ملاحظه ای از قزاقستان را عملاً از آن کشور جدا سازند، و به فدراسیون روسیه پیوند زنند. در جهت راضی نگه داشتن روس ها، نظریات اعلام نموده است که، از میان مسیرهای مختلف لوله های نفتی، او آن خط را ترجیح می دهد که از خاک روسیه می گذرد، و به دریای سیاه مرتبط می شود. او علت این انتخاب را تمایل کشورش

به حفظ روابط دوستانه با روسیه بیان داشته است. با وجود این، قزاقستان چندان هم مایل نیست که در حوزه نفوذ روس‌ها باقی به ماند. يك نشانه این عدم علاقه شاید امضای موافقت نامه مهم نفتی این کشور با يك شرکت نفتی آمریکایی موسوم به "شو-ران" باشد. احتمالا با اتکا بر این بهره‌افست بود که زمانی يك دیپلمات غربی مقیم قزاقستان متذکر گردید که از تمام ملت‌های دنیا تنها لهستانی‌ها هستند که بیشتر از قزاق‌ها به غرب کشش دارند. از قرار معلوم غرب نیز نظربایف و قزاقستان را عوامل بازدارنده دیگری در مقابل نفوذ توسعه ایران در منطقه می‌داند.

(۱۳۷۴/۷/۱۳)

از همین مؤلف همچنین :

- * واقعه ژانویه ۹۰ آذربایجان شمالی (کپنهاگ، ۱۳۶۹)
 - * مسئله‌ی داغلق قره باغ (کپنهاگ، ۱۳۷۰)
 - * آذربایجان شمالی در وضعیت تاریخی نوین شوروی (کپنهاگ، ۱۳۷۰)
 - * آذربایجان شمالی پس از احیای استقلال (کپنهاگ، ۱۳۷۲)
 - * آذربایجان شمالی پس از فتح روس (کپنهاگ، ۱۳۷۲)
 - * واقعه‌ی ۲۵-۱۳۲۴ آذربایجان جنوبی (کپنهاگ، ۱۳۷۲)
 - * ناسیونالیسم در آذربایجان جنوبی (کپنهاگ، ۱۳۷۲)
 - * آذربایجان و ملت آن (کپنهاگ، ۱۳۷۲)
 - * درباره‌ی "جنبش عدالت آذربایجان ایران" (کپنهاگ، ۱۳۷۳)
 - * مقاله از احمد کسروی تبریزی درباره‌ی آرامنه و آسوریان (فاروم، ۱۳۷۳)
(به کوشش)
 - * "انجمن ایالتی آذربایجان (جنوبی)" در انقلاب مشروطیت (فاروم، ۱۳۷۳)
 - * "مرکز فیهی تبریز" در انقلاب مشروطیت (فاروم، ۱۳۷۴)
 - * جمهوری اول آذربایجان شمالی (۲۰-۱۹۱۸) (فاروم، ۱۳۷۴)
- تا کنون منتشر شده است.



* آزربایجان بیر اولسون ! *